



## A Comprehensive Model of Glorifying the Holy Prophet and Ahl al-Bayt (P.B.U.T.) based on the Analysis of the Content of Imam Sajjad's (P.B.U.H.) 'Arafah Prayer

**Dr. Bibisadat Razi Bahabadi**

Associate Professor, Alzahra University

**Dr. Mohammad Etratdoost** (corresponding author)

Assistant Professor, Shahid Rajae Teacher Training University

**Email:** [Etratdoost@sru.ac.ir](mailto:Etratdoost@sru.ac.ir)

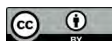
**Faeze Mohammadi**

MA graduate, Alzahra University

### Abstract

One of the most frequently repeated sentences in the narrated supplications, especially the supplications quoted from Imam Sajjad (P.B.U.H.) in *al-Şahīfa al-Sajjādiyya*, is the invocation of *şalawāt* (blessings upon Muhammad and his family (P.B.U.T.)). Various reasons have been expressed for this, the most important of which is that it is an attempt to explain the true position of Ahl al-Bayt (P.B.U.T.) in the Islamic society. Nevertheless, it is still a question how and with what strategies Imam Sajjad (P.B.U.H.) did this, and what expressions he did use to introduce them in *şalawāt*, and finally what a model he offered for glorifying this family and introducing their high status and dignity. In this article, we try to qualitatively and descriptively analyze the set of themes expressed about this issue, and finally infer a comprehensive model of glorifying the Holy Prophet and Ahl al-Bayt (P.B.U.T.). The research findings show that these contents can be classified under five categories with many details, which are as follows: the definition of glorification, features to be glorified, characteristics of desirable glorification, effects of glorification, and introduction of glorifiers.

**Keywords:** Imam Sajjad, 'Arafah prayer, *al-Şahīfa al-Sajjādiyya*, glorification, *şalawāt*, Content analysis method





سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۵۴-۱۱۷	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰
HomePage: <a href="https://jquran.um.ac.ir/">https://jquran.um.ac.ir/</a>	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹	نوع مقاله: پژوهشی
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jquran.2023.67775.1008">https://doi.org/10.22067/jquran.2023.67775.1008</a>	

## الگوی جامع تجلیل از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاد (ع)

دکتر بی بی سادات رضی بهابادی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

دکتر محمد عترت دوست (نویسنده مسئول)

استادیار گروه هیات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

Email: Etratdoost@sru.ac.ir

فائزه محمدی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

### چکیده

یکی از جملات پرتکرار در ادعیه مأثوره، به ویژه ادعیه منقول از امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده، ذکر صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ع) است. در تحلیل چرایی این مطلب نیز نظرات مختلفی بیان شده است که از جمله مهم ترین آن ها تلاش برای تبیین جایگاه حقیقی اهل بیت (ع) در جامعه اسلامی بوده است. با این وجود، همچنان این مسئله مطرح است که امام سجاد (ع) چگونه و با چه راهکارهایی این اقدام را انجام داده و در هنگام ذکر صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ع) از چه عباراتی برای معرفی ایشان استفاده کرده و در نهایت، چه الگویی را برای تجلیل از این خاندان و آگاهی از مقام و منزلت والای آنان ترسیم کرده است.

در این نوشتار، با روش تحلیلی می کوشیم مجموعه مضامین بیان شده در خصوص این مقوله را به صورت کیفی و توصیفی، تحلیل و در نهایت، الگوی جامع تجلیل از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) را استخراج کنیم. نتایج و یافته های تحقیق بیانگر آن است که مجموعه این مضامین را می توان ذیل پنج دسته با جزئیات متعدد طبقه بندی کرد که عبارت اند از: چستی تجلیل، ویژگی های مورد تجلیل، ویژگی های تجلیل مطلوب، آثار تجلیل و معرفی تجلیل کنندگان.

**واژگان کلیدی:** امام سجاد (ع)، دعای عرفه، صحیفه سجاده، تجلیل، صلوات، روش تحلیل محتوا.

## مقدمه

تبیین معارف حقه و مبارزه علیه باطل در قالب دعا، یکی از روش‌های امام چهارم، حضرت زین العابدین(ع) در دوران ارباب و اختناق امویان بود. هنگامی که جامعه دچار انحراف شده و روحیه رفاه‌طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه یافته و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را در محاصره قرار داده بود، امام سجاد(ع) توانست از دعا برای تبیین بخشی از عقاید مذهب شیعه استفاده کند. از میان ادعیه منقول از اهل بیت، دعای عرفه از جمله دعاهایی است که با بیانی رسا و ژرف، مبانی و مسائل مهم دینی را در دل خود جای داده است.

اگرچه صحیفه سجادیه و برخی ادعیه خاص آن، مانند دعای مکارم الأخلاق یا عرفه، مدّ نظر بسیاری از دانشمندان و مردم بوده است و شروح فراوانی بر آن نگاشته‌اند، اما به نظر می‌رسد هنوز لایه‌های عمیق این معارف، به صورت دقیق و کامل تبیین نشده است. آنچه امروزه می‌تواند راهگشای فهم بسیاری از متون روایی و دینی باشد، تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش‌های علمی و پژوهشی دقیق است. بر این اساس، در این نوشتار می‌کوشیم با استفاده از روش تحلیل محتوا و کاربست آن در مطالعات دینی که از رویکردهای نوآورانه در حوزه فهم نصوص دینی است، با استفاده از روش تحقیقی میان‌رشته‌ای و بدون در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های ذهنی، به تحلیل متن دعای عرفه امام سجاد(ع) پردازیم و بخشی از مهم‌ترین مضامین خاص این دعای شریف را تحلیل و تفسیر کنیم. بخش اعظمی از این دعا، اختصاص به تجلیل از رسول خدا(ص) و معصومان(ع) و درود بر مقام شامخ ایشان دارد. لذا، با توجه به اهمیت بسیار این مسئله، به منظور شناخت بیشتر جایگاه ایشان، این نوشتار می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل محتوا و به‌کارگرفتن رویکرد مضمونی، نقطه تمرکزها و موضوعات اصلی و فرعی این مقوله را استخراج و در نهایت، مقام و منزلت آن بزرگواران را در آن شرایط خاص که همه تلاش دشمن برای منزوی ساختن آل محمد بود، از منظر دعای عرفه تبیین کند.

لازم به ذکر است که راجع به ادعیه صحیفه سجادیه و به‌ویژه دعای عرفه امام سجاد(ع) پژوهش‌های متعددی انجام شده، ولی عمده آن‌ها به شرح و تقریر دعا و اعتبارسنجی سندی آن پرداخته و کمتر موضوع خاصی در این دعا بررسی شده است. برای نمونه، قادر فاضلی در کتاب عرفان عرفه، صرفاً به ترجمه و شرح دعای عرفه امام حسین(ع) و امام سجاد(ع) پرداخته و برخی مسائل را در این دو دعا تشریح کرده است.<sup>۱</sup> نرگس کریم‌زاده نیز در کتاب مستندات قرآنی دعای

۱. نک: فاضلی، عرفان عرفه.

عرفه امام سجاده (ع)، همان‌طور که از نامش پیداست به بررسی سندهای قرآنی این دعا پرداخته است.<sup>۲</sup>

حیدر محلاتی نیز در مقاله «بررسی تطبیقی دعای عرفه امام حسین (ع) و امام سجاده (ع)»، صرفاً به مطالعه تطبیقی شیوه‌های نیایش در این دو دعا از نگاه فنی و ادبی پرداخته و کمتر به محتوا توجه کرده است.<sup>۳</sup> نگارندگان این نوشتار نیز در پژوهش مستقل دیگری به مطالعه مفهوم امام و تبیین وظایف مطرح‌شده برای شیعیان در رابطه با ائمه اطهار (ع) مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاده (ع) پرداخته و برخی از ویژگی‌های مطرح‌شده برای امام را از منظر این متن بررسی کرده‌اند.<sup>۴</sup>

در خصوص علت و چرایی استفاده از روش تحلیل محتوا برای این پژوهش نیز باید گفت که این روش متن‌محور، بیش از هر روش تحقیق دیگری می‌تواند در حوزه فهم متون و نصوص، اطلاعات دقیق‌تری در اختیار پژوهشگر قرار دهد؛ چراکه صرفاً بر محتوای متن تأکید و قابلیت استخراج مضامین متعدد از متن و طبقه‌بندی آن‌ها را دارد.<sup>۵</sup> «باردن» درباره این روش می‌نویسد: «تحلیل محتوا عبارت است از: مجموعه فنون تحلیل ارتباط که برای توصیف محتوای پیام و روش‌های منظم عینی به کار می‌رود.»<sup>۶</sup> «هولستی» نیز روش تحلیل محتوا را فنی برای یافتن نتایج پژوهش از راه تعیین عینی و منظم ویژگی‌های شخصی پیام‌ها می‌داند. او بر این باور است که این تعریف، سه معیار را به هم پیوند می‌دهد: اینکه روش تحلیل محتوا باید عینی و منظم باشد و اگر قرار است از باز یافت داده‌ها، فهرست‌بندی یا اقدام‌های مشابه متمایز شود، باید پشتیبان نظری داشته باشد.<sup>۷</sup>

بر این اساس می‌توان گفت که روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های مناسب برای تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌هاست. البته لازم به ذکر است که این روش تحقیق میان‌رشته‌ای، به‌صورت ویژه برای تحلیل نصوص دینی و با رعایت ملاحظات خاص این نصوص، بومی‌سازی شده و تکنیک‌های خاصی برای آن در نظر گرفته شده است که در این نوشتار بخشی از آن‌ها ارائه

۲. نک: کریم‌زاده، «مستندات قرآنی دعای عرفه امام سجاده (ع)».

۳. نک: محلاتی، «بررسی تطبیقی دعای عرفه امام حسین (ع) و امام سجاده (ع)»، ۱۰۶.

۴. نک: عترت‌دوست و همکاران، «امام‌شناسی مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاده (ع)»، ۱۶۹ تا ۱۶۸.

۵. کریندورف، مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا، ۲۵.

۶. باردن، تحلیل محتوا، ۳۸.

۷. هولستی، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ۳۸.

می‌شود.<sup>۸</sup>

وجه نوآوری این نوشتار، اجرای روش تحلیل محتوا با رویکرد تحلیل مضمونی و نیز مطالعه تحلیلی توصیفی مقوله‌ای خاص در دعای عرفه است. افزون بر اینکه از رهگذر تحلیل نتایج و یافته‌های تحقیق، کوشیده است تا الگوی جامع تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) را در ابعاد مختلف مثل چگونگی، چرایی، آثار و موارد، احصا و ترسیم کند.

### ۱. اعتبارسنجی دعای عرفه امام سجاده(ع)

صحیفه سجاده، مشهور به «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت»<sup>۹</sup>، از جمله اولین کتاب‌هایی است که در تاریخ صدر اسلام تدوین شده و به سبب داشتن مضامین بلند و همچنین انتسابش به امام سجاده(ع)، از شهرت و اعتبار به‌سزایی برخوردار است. اکثریت دانشمندان اسلامی که صحیفه سجاده را مطالعه کرده‌اند، بدین مطلب اعتراف دارند که مضامین این دعاها به قدری عالی است که صدور آن از غیر امام معصوم امکان‌پذیر نیست.<sup>۱۰</sup> صاحب‌جواهر پس از ارائه اسناد و منابع متعدد برای ادعیه صحیفه سجاده و نقل اقوال عالمان، در نهایت، در خصوص این کتاب شریف می‌نویسد: «و فی الصحیفه المعلومه انّها من سجاده(ع) ...»<sup>۱۱</sup>

در کتاب «اعیان الشیعه» از عالم بزرگ، سید محسن امین عاملی نقل شده است که: «بلاغت الفاظ صحیفه و فصاحتش که هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن پیشی بگیرد و علو مضمونش و آنچه در آن از انواع خصوع برای خداوند متعال و ثنا بر ذات مقدسش و روش‌های شگفت‌انگیز در طلب عفو، کرم و توسل به اوست، برترین شاهد بر صحت نسبتش به آن امام بزرگوار است و نشان می‌دهد که این دژ گران‌بها از آن اقیانوس و این گوهر از آن معدن و این میوه از آن درخت برومند است. اضافه بر این، چنان شهرتی دارد که جای تردید باقی نمی‌گذارد.»<sup>۱۲</sup>

علامه مرتضی زبیدی، سلسله سند دعای عرفه امام سجاده(ع) را در کتاب «اتحاف السادة المتّقین» به تفصیل نقل و صدور آن از امام سجاده(ع) اثبات کرده است. این دعا از دو نفر به نام‌های عمر بن احمد بن عقیل حسینی و محی‌الدین نورالحق بن عبداللّه و هر دو از محمد طاهر کورانی روایت شده است: بدین صورت که حضرت هادی(ع) از پدرشان، حضرت جواد(ع) و ایشان از

۸. نک: عترت دوست و همکاران، «آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی»، ۵۲ تا ۳۸.

۹. نک: ابن طاووس، اقبال الأعمال الحسنة، ۷۶.

۱۰. نک: مکارم شیرازی، عرفان اسلامی، ۴۳۷ تا ۴۱۴.

۱۱. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۱۵۸.

۱۲. امین عاملی، البحر الزخار، ۶۳۸/۱.

پدرشان، حضرت رضا(ع) و ایشان از پدرشان، حضرت کاظم(ع) و ایشان از پدرشان، حضرت صادق(ع) و ایشان نیز از پدرشان، حضرت باقر(ع) نقل کرده‌اند.<sup>۱۳</sup>

لازم به ذکر است که منبع نقل این دعا از دعای عرفه امام حسین(ع) قدیمی‌تر است. اولین منبع نقل دعای امام حسین(ع)، کتاب الإقبال الأعمال از سیدبن طاووس، زیسته در قرن هفتم است که در آن هیچ مأخذی برای اصل دعا بیان نشده و صرفاً نوشته شده است: «و من دعوات المشرفه فی یوم العرفه دعاء مولانا الحسین بن علی صلوات الله علیه: الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع...»<sup>۱۴</sup> مصدر دیگر این دعا نیز کتاب البلد الامین است که از دو راوی به نام‌های بشر و بشیر ذکر کرده و نوشته است: «قَالَ بَشِيرٌ وَ بَشِيرٌ فَلَمْ يَكُنْ لَهُ جَهْدٌ إِلَّا قَوْلُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بَعْدَ هَذَا الدُّعَاءِ...»<sup>۱۵</sup>

## ۲. تحلیل محتوای کمی دعای عرفه امام سجاد(ع)

هدف از اجرای روش تحلیل محتوا این است که هر یک از پارامترهای متن؛ از جمله موضوعات اصلی یا فرعی، در صورت نیاز، به‌طور جداگانه بررسی شده و بر اساس اطلاعات آماری حاصل از تحلیل محتوا، میزان فراوانی هر کدام استخراج شده تا در نهایت، پربسامدترین و مهم‌ترین آن‌ها شناسایی و دستیابی به پیام اصلی متن آسان شود. تحلیل‌های کمی، راه ورود به تحلیل‌های کیفی را هموار می‌سازند و در حقیقت نشان می‌دهند محقق باید بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی بپردازد. اولین مرحله عملی در اجرای روش تحلیل محتوا نیز ترسیم جداول است. از این رهگذر، انواع تقطیع عبارات و گونه‌های موضوعات اصلی و فرعی به‌نحو نظام‌مندی هویدا می‌شود.<sup>۱۶</sup> در این بخش، هر یک از موضوعات اصلی و فرعی متن، احصا شده و پس از بررسی و به‌دست آوردن اطلاعات آماری حاصل از تحلیل محتوای کمی، میزان فراوانی هر کدام از پارامترهای ذکر شده استخراج می‌شود. سپس مواردی که درصد فراوانی بیشتری و اهمیت بیشتری نسبت به باقی موارد دارند، شناسایی و از بطن این فراوانی‌ها، پیام اصلی متن به دست می‌آید و به ذهن مخاطب صادر می‌شود. در این قسمت برای نمونه، بخش کوچکی از جدول تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاد(ع) درج شده است که بیشتر با رویکرد تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل

۱۳. مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۶۴۳/۴.

۱۴. ابن طاووس، اقبال الأعمال، ۷۴/۲.

۱۵. کفعمی، البلد الامین و الدرر الحسین، ۲۵۸.

۱۶. نک: عنتر دوست، «آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی»، ۵۲ تا ۳۸.

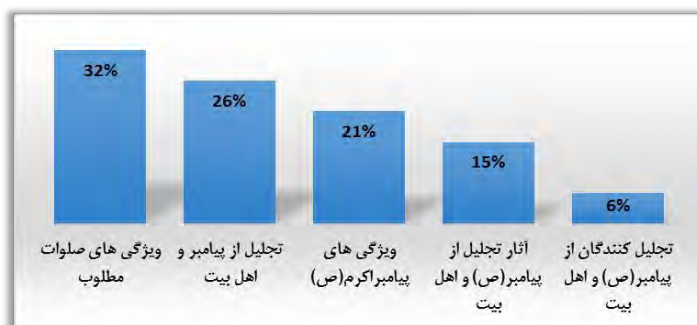
بیت(ص) است: ۱۷

جدول ۱: بخشی از تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاد(ع)

ردیف	واحد متن	موضوع اصلی	موضوعات فرعی	کد
R59	رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست	تجلیل از پیامبر(ص) و اهل بیت	تجلیل از پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به سبب صلوات بر آنان	S1
			لزوم همراهی تجلیل از پیامبر(ص) با تجلیل از اهل بیت(ع)	S2
			بیان تأثیر صلوات بر قبول شدن دعا	S3
R60	الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى؛ آن پیامبر برگزیده اختیار شده	ویژگی پیامبر(ص)	پیامبر(ص)، فرد برگزیده الهی است.	S4
			پیامبر(ص)، برگزیده شده از میان تمام انسان‌ها و حتی پیامبران است.	S5
			انتخاب پیامبر(ص) توسط خدا صورت گرفته است.	S6
R67	صَلَاةَ رَاكِبَةٍ لَا تَكُونُ صَلَاةَ أَرْكَبٍ مِنْهَا؛ درودی پاک و پیراسته که درودی پاک و پیراسته از آن نباشد،	ویژگی‌های صلوات مطلوب	صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) باید پاک و خالص باشد.	S19
R72	وَ صَلِّ عَلَيَّ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُنِي عَلَيَّ رِضَاكَ لَهُ؛ و بر او درود	آثار تجلیل از پیامبر و اهل بیت	صلوات موجب خشنودی بی اندازه خدا	S26
			جایگاه رفیع پیامبر(ص) و اهل	S27

ردیف	واحد متن	موضوع اصلی	موضوعات فرعی	کد
R79	<p>فَرَسْتُ، دَرُودِي كِه تُو رَا خَشْنُوْد كَنْد و بِيَش اَز اَنْدازَه‌اِي باشَد كِه بَراي اُو مِي پَسَنْدِيْدِي.</p> <p>صَلَاةٌ تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ اَنْبِيَايِكَ وَ رُسُلِكَ وَ اَهْلِ طَاعَتِكَ؛ دَرُودِي كِه دَرُودِهاي فَرَشْتِگان و پيامبران و رسولان و فرمان برانْت را هَم فَرَا گيرِد.</p>	تجلیل کنندگان از پیامبر و اهل بیت	بیت (ع) نزد خداوند	
			خداوند فرستادن صلوات بر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را دوست دارد.	S28
			فرشتگان، انبیا، رسولان و اهل طاعت هم بر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ایشان درود می فرستند.	S40
			جایگاه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) از جایگاه دیگر پیامبران و رسولان بالاتر است.	S41
			صلوات، نشان دهنده شناخت انبیا و اولیا از جایگاه بالای پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است	S42
تفاوت صلوات فرشتگان، پیامبران و دیگر بندگان	S43			

پس از ترسیم جدول تحلیل محتوای کمی، موضوعات اصلی و فرعی بررسی شده و میزان فراوانی و درصد هریک از آن‌ها استخراج شده و سپس به صورت نمودارهایی ترسیم شده است. از آنجاکه در این نوشتار صرفاً به مقوله تجلیل از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) می پردازیم، لذا در ادامه به استخراج موضوعات اصلی این بخش پرداخته شد که اهم آن‌ها بر اساس بیشترین و کمترین فراوانی در نمودار ذیل درج شده است:





نمودار ۱: سنجش فراوانی موضوعات اصلی تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) در ادامه، به دسته‌بندی مضامین حاصل از جدول می‌پردازیم و از رهگذر تحلیل کیفی حاصل از آن‌ها، مقوله مدّ نظر را به‌صورت کیفی و توصیفی، تحلیل و بازخوانی می‌کنیم تا در نهایت بتوانیم الگوی جامع تبیین‌شده توسط امام سجّاد(ع) را ترسیم کنیم.

### ۳. تحلیل محتوای کیفی مقوله تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت

در این بخش، به بررسی و تحلیل کیفی مضامینی پرداخته می‌شود که در بخش تجلیل، بیشترین بسامد و فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. طبق الگویی که حضرت سجّاد(ع) ترسیم کرده‌اند، موضوعات اصلی این بخش شامل مواردی؛ همچون تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)، ویژگی‌های پیامبر اکرم(ص)، ویژگی‌های صلوات مطلوب، آثار تجلیل از این بزرگواران و نام‌بردن از تجلیل‌کنندگان است که در ادامه، تحلیل و بررسی هرکدام به‌صورت جداگانه خواهد آمد.

#### ۳.۱. چستی تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)

امام سجّاد(ع) در دعای عرفه خود تلاش بلیغی برای تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) داشته و دائم با ذکر صلوات، سعی کرده‌اند این تعظیم و تجلیل را به مردم نشان دهند (کد S1). فراوانی این بخش از مضامین در دعای عرفه بسیار است، لذا این سؤال مطرح می‌شود که اساساً مفهوم تجلیل و درود فرستادن بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) چیست و این عمل، چه ماهیتی دارد؟

در پاسخ بدین سؤال باید توجه داشت که واژه صلوات از ریشه «صل» در لغت، به معنای تعظیم است.<sup>۱۸</sup> حرف «الف» در کلمه «صلوات» در جمع آن یعنی «الصلوات»، بدل از «واو» است و چنان‌که در مفردات آمده است، «صلوات»؛ یعنی تبریک و تمجید.<sup>۱۹</sup> همچنین گفته شده است که رکوع، سجود، دعا، استغفار و صلوات بر پیامبر(ص)، به معنای رحمت و حسن ثنای ایشان است.<sup>۲۰</sup>

خداوند متعال نیز در آیه ۵۶ سوره احزاب بر این نکته تأکید کرده است. در خصوص این آیه گفته‌اند: صلواتی که از سوی ملائکه است، به معنای درود و استغفار است و صلواتی که از سوی

۱۸. ابن منظور، لسان العرب، ۴/۴۶۴.

۱۹. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۴۹۰.

۲۰. فراهیدی، العین، ۱۵۳/۷؛ ابن اثیر، النهاية، ۵۰/۳.

خداوند است، به معنای رحمت است.<sup>۲۱</sup>

علامه طباطبایی نیز در تأیید همین عبارت، صلاة را در اصل، به معنای انعطاف و رحمت می‌داند؛ یعنی صلاة خدا بر پیامبر (ص)، به معنای انعطاف او به وسیله رحمتش به وی است. همچنین صلاة ملائکه بر رسول خدا (ص)، انعطاف ایشان است به اینکه او را تزکیه و برایش استغفار کنند و صلاة مؤمنان بر او، انعطاف ایشان است به وسیله درخواست رحمت برای او.<sup>۲۲</sup> لذا همان‌طور که ذکر شد در این بخش از دعا، تجلیل مکرر از پیامبر (ص) با ذکر صلوات، به معنای درخواست رحمت و تزکیه بیشتر برای آن مقام شامخ است که نشان می‌دهد: اولاً، آن افراد مورد رحمت خاصه خداوند متعال هستند و ثانیاً، به صورت دائم نیز این رحمت و انعطاف بر آنان جاری است و مقامشان به صورت دائمی در حال ارتقا است.

البته بزرگداشت ایشان، تنها به صلوات منتهی نشده و حضرت زین العابدین (ع) با عباراتی همچون درخواست رحمت و برکت الهی از رسول خدا (ص) نیز تجلیل کرده‌اند، اما بیشترین آن‌ها اختصاص به صلوات دارد. عباراتی که به‌طور خاص به تجلیل از پیامبر گرامی اسلام (ص) پرداخته، در ادامه به تفصیل بیان شده است.

### ۳.۱.۱. برترین درودها و تحیات

از جمله عبارات خاص امام سجاد در مقام بیان تجلیل از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) ایشان، عبارت «أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ»؛ یعنی شریف‌ترین و باعظمت‌ترین درودها و تحیات است که گفته شده از نظر کمی و نیز کیفی بیانگر بالاترین و والاترین تجلیل‌ها و درودهاست.<sup>۲۳</sup> این عبارت، در حقیقت عنوان می‌کند که برترین درودها و تجلیل‌های یک انسان مسلمان می‌بایست بر پیامبر (ص) و اهل بیت او باشد (کد S9)؛ چراکه مقام پیامبر (ص) آن قدر والاست که آفریدگار هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان خدا برعهده آن‌هاست، بر او درود می‌فرستند.<sup>۲۴</sup> خداوند متعال نیز بر کسانی صلوات می‌فرستد که از آن‌ها راضی است، به گونه‌ای که مستحق دریافت اوصاف محموده در دنیا هستند و در آخرت شایسته دریافت اجر و پاداش باشند. پس معنای صلوات بر پیامبر (ص)، تعظیم ایشان در دنیا به وسیله بالا بردن مقام و ابقای شریعت

۲۱. ابن منظور، لسان العرب، ۴۶۵/۱۴.

۲۲. طباطبایی، المیزان، ۳۳۸/۱۶.

۲۳. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۰/۶.

۲۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴۱۶/۱۷.

ایشان و در آخرت، بالابدن درجات حضرت است.<sup>۲۵</sup>

البته صلوات مراتبی دارد و آن صلواتی کامل است و در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد که درود بر ائمه اطهار(ع) را نیز شامل شود. در این باره، روایتی از رسول خدا(ص) نقل شده است که ایشان فرمودند: صلوات ابتر و ناقص صلواتی است که ذکر آل محمد در آن نباشد. طبق این حدیث، ابن حجر هیثمی، عالم بزرگ اهل سنت نقل کرده است که پیامبر اکرم(ص) در برابر مسلمانان فرموده‌اند: بر من صلوات ابتر و ناقص نفرستید: «لاتصلوا علی الصلاة البتراء فقالوا: وما الصلوة البتراء قال: تقولون: اللهم صل علی محمد و تمسکون، بل قولوا: اللهم صل علی محمد و آل محمد.»<sup>۲۶</sup>

در روایت دیگری نیز که کعب بن عجره نقل کرده است، ذکر می‌شود که عبدالرحمن بن ابی لیلی از کعب نقل می‌کند که کعب به او گفت: آیا می‌خواهی هدیه‌ای به تو بدهم که آن را از پیامبر(ص) شنیده‌ام؟ عرض کردم: آری، به من هدیه بده. وی گفت: به پیامبر(ص) عرض کردیم بر شما اهل بیت چگونه درود بفرستیم، در حالی که از کیفیت دادن سلام آگاهیم. پیامبر اسلام(ص) فرمودند، بگویند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَي آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ وَعَلَي آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَي آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ وَعَلَي آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ.»<sup>۲۷</sup>

بر پایه گزارش عمار ساباطی، شخصی نزد امام صادق(ع) به گونه‌ای صلوات فرستاد که پنج تن را در برمی‌گرفت. آن حضرت، این شیوه درود فرستادن را ویژه اصحاب کساء شمرد و او را به فرستادن صلوات فراگیر سفارش فرمود: «يَا هَذَا لَقَدْ صَيَّغْتَ عَلَيْنَا مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ خَمْسَةٌ أَصْحَابُ الْكِسَاءِ فَقَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَي آلِ مُحَمَّدٍ فَتَكُونُ نَحْنُ وَشِيعَتُنَا قَدْ دَخَلْنَا فِيهِ.»<sup>۲۸</sup>

البته درودها و صلوات‌های متفاوتی در روایات ذکر شده‌اند که برای هر کدام نیز اثر یا آثار متفاوتی بیان شده است. برای نمونه، رسول الله(ص) می‌فرمایند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ أَلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ»؛<sup>۲۹</sup> هر کس بر من درود فرستد و بر آل من درود نفرستد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند و همانا بوی بهشت با فاصله پانصد سال

۲۵. مدنی، ریاض السالکین، ۴۲۰/۱.

۲۶. ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ۴۳۰/۲.

۲۷. بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۶/۴.

۲۸. ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱۵۸.

۲۹. ابن بابویه، الأعمالی، ۲۰۰.

استشمام شدنی است. همچنین از ابو حمزه روایت شده که از امام جعفر صادق (ع) پرسید: چگونه صلوات فرستم بر محمد و آل محمد؟ فرمود که چنین بگوئید: «تَقُولُونَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»<sup>۳۰</sup> عرض کردم، چه خواهد بود ثواب آن؟ فرمودند: به خدا قسم از گناهان بیرون می آید، مانند روزی که از مادر متولد شده است. در کتاب مصباح نیز از حضرت صادق (ع) روایت شده است، هرکس بعد از نماز ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَكْتَبْ عَلَيْهِ ذَنْبٌ سَنَةً»<sup>۳۱</sup> تا یک سال هیچ گناه بر او نوشته نمی شود.

### ۳. ۱. ۲. کامل ترین خیرات و برکات

از دیگر مصادیق تجلیل و درود بر پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در کلام امام سجاد، اهدای کامل ترین خیر و برکات بر ایشان است. آن حضرت در ادامه تجلیل ها و صلوات های خود بر این خاندان نورانی می فرماید که: خدایا، کامل ترین و تام ترین خیر و برکات خودت را نیز بر این خاندان نازل فرما: «وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أُمَّ بَرَكَاتِكَ». در توضیح این نوع از تجلیل و درود نیز باید گفت که واژه برکت در اصل از ماده «بَرَكَ»، به معنای سینه شتر گرفته شده است؛ یعنی شتر سینه خود را به زمین زد.<sup>۳۲</sup> همچنین برای آن معانی دیگری نیز ذکر کرده اند؛ از جمله سعادت، نمو و فراوانی، فضل، فیض، خیر و زیادت به صورت مادی یا معنوی.<sup>۳۳</sup>

راجع به معنای لغوی و اصطلاحی برکت می توان چنین گفت که چون سینه شتر در هنگام نشستن و برخاستن، مقدم بر بقیه اعضاست و اینکه شتر مهم ترین راه کسب روزی در بین اعراب است، به عنوان مصداق روشنی از خیر گفته شده است.<sup>۳۴</sup> این واژه به صورت مفرد در قرآن به کار نرفته است و تنها به صورت جمع دیده می شود.<sup>۳۵</sup> البته مشتقات دیگر این کلمه، مانند مبارک در آیات دیگر قرآن به کار رفته است.<sup>۳۶</sup>

درباره آیه «وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ»<sup>۳۷</sup> در توضیح مبارک آمده است:

۳۰. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۳۶۸.

۳۱. کفعمی، المصباح، ۴۲۲.

۳۲. ازهری، تهذیب اللغة، ۱۳۱/۱۰.

۳۳. مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۵۱۴/۱۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ۳۹۵/۱۰.

۳۴. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۵۹/۱.

۳۵. نک: اعراف: ۹۶؛ هود: ۴۸ و ۷۳.

۳۶. نک: انعام: ۹۲؛ انبیاء: ۵۰، ص: ۲۹ و ...

۳۷. انعام: ۹۲.

خیری که از سوی خداوند می‌رسد، به‌طور نامحسوس صادر می‌شود و مقدار و عدد آن هم شمردنی نیست، پس به هر چیزی که دارای فراوانی محسوسی باشد، می‌گویند این چیز مبارک و دارای برکت است. علامه طباطبایی درباره معنای برکت در آیه ۹۲ سوره انعام قائل‌اند که برکت معنای نسبی دارد؛ یعنی به‌سبب غرضی که در آن وجود دارد، معناهای مختلفی می‌گیرد، چون خیر بودن هر چیزی به‌حسب آن غرضی است که متعلق به آن می‌شود. به‌همین دلیل چون غرض از دین، تنهاوتها سعادت معنوی یا حسی منتهی به معنوی است، پس مقصود از برکت در دین آن چیزی است که در آن خیر معنوی یا مادی منتهی به معنوی باشد، لذا برکت به‌معنای هر چیز کثیری مانند امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد گفته شده است.<sup>۳۸</sup>

کبیر مدنی شیرازی نیز در شرح صحیفه آورده است که افاضه برکات بر پیامبر(ص)؛ یعنی پروردگار عالم همواره بر ایشان نعمات دائمی و خیرات کثیر خود را فرو فرستد،<sup>۳۹</sup> پس امام سجاد(ع) از خداوند درخواست کرده است که کامل‌ترین برکت‌ها بر پیامبر(ص) و اهل بیت او نازل شود (کد S11). برکتی که سرشار از سلامتی، آسایش و کثرت وصف‌نشده است و این، نشان از تأکید بر لزوم تجلیل شایسته از پیامبر(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) دارد (کد S12).

### ۳.۱.۳. پر بارترین رحمت‌ها

از دیگر مصادیق تجلیل و درود بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) در کلام امام سجاد، اهدای پر بارترین رحمت‌ها بر ایشان است. آن حضرت، در ادامه تجلیل‌ها و صلوات‌های خود بر این خاندان نورانی می‌فرماید که: خدایا، پر بارترین و بیشترین رحمت خودت را بر محمد و آل محمد(ع) نازل کن: «و تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أُمَّتَكَ». در توضیح این بخش از مفهوم تجلیل و درود نیز ابتدا باید به واکاوای مفهوم رحمت بپردازیم. این واژه از ریشه «رحم»، به‌معنای رقت، تعطف رأفت، نرمی و نرم‌خویی اخذ شده است.<sup>۴۰</sup> علامه طباطبایی در معنای اصطلاحی رحمت می‌فرماید: «رحمت، صفتی است انفعالی و تأثر درونی خاصی است که قلب هنگام دیدن کسی که فاقد چیزی یا محتاج به چیزی است که نقص کار خود را تکمیل کند، متأثر می‌شود و از حالت پراکندگی، به حالت جزم و عزم در می‌آید تا

۳۸. طباطبایی، المیزان، ۲۰/۱۸.

۳۹. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۰/۶.

۴۰. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴۹۸/۲؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ۲۳۰/۱۲.

حاجت آن بیچاره را برآورد و نقص او را جبران کند، البته رحمت در خدای تعالی، به معنای تأثر قلبی نیست؛ بلکه باید نواقص امکانی آن را حذف کرد و باقیمانده را که همان اعطا، افاضه و رفع حاجت حاجتمند است، به خدا نسبت داد.<sup>۴۱</sup>

واژه «أَمْتَع» نیز از ریشه «مَتَعَ»، به معنای منفعت، بهره‌مندی درازمدت و بی‌نیازکردن است.<sup>۴۲</sup> درخواست امتعِ رحمت خداوندی بر پیامبر اکرم (ص)؛ یعنی پروردگار متعال، نافع‌ترین رحمت‌های خود را به پیامبر (ص) افاضه کند. احتمال آن می‌رود که امتع در اینجا، به معنای جود و بخشش فراوان نیز باشد.<sup>۴۳</sup> گویی حضرت سجاد (ع) از خداوند درخواست کرده است بر نزول رحمت بر پیامبر (ص)، جود و بخشش فراوان به خرج دهد.

لازم به ذکر است که کلمه «رحمان» در قرآن کریم به صورت مطلق آمده که نشانه عمومیت آن است، در حالی که «رحیم» گاهی به صورت مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است؛ مانند آیه «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»<sup>۴۴</sup> به همین دلیل در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است: «الرَّحْمَانُ إِسْمٌ خَاصٌّ، بِصِفَةِ عَامَّةٍ، وَ الرَّحِيمُ إِسْمٌ عَامٌّ بِصِفَةِ خَاصَّةٍ»<sup>۴۵</sup> «رحمان» اسم خاص است اما صفت عام دارد، نامی است مخصوص خدا ولی مفهوم رحمتش همگان را در بر می‌گیرد. «رحیم» اسم عام است به صفت خاص، نامی است که بر خدا و خلق هر دو گفته می‌شود اما اشاره به رحمت ویژه مؤمنان دارد. لذا، حضرت درخواست رحمت ویژه خداوند آن هم به صورت تمام و کمال را بر پیامبر (ص) دارد. طبق این عبارت از دعا، کامل‌ترین رحمت‌های الهی بر پیامبر (ص) و اهل بیت او نازل شده است (کد S13) و پیامبر (ص) و اهل بیت ذیل رحمت تام الهی هستند (کد S14).

### ۲.۳. ویژگی‌های مورد تجلیل پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)

بخش دیگری از مطالب ذکر شده در دعای عرفه امام سجاد (ع)، تبیین ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) است، به ویژه آن دسته از ویژگی‌هایی که سبب می‌شود انسان‌ها این شخصیت نورانی و مقدس را تعظیم و تجلیل کنند. بدیهی است که این بخش از سخنان امام سجاد (ع) به منظور تبیین جایگاه و شخصیت حضرت رسول (ص) و اهل بیت (ع) بوده و تلاش کرده‌اند تا با نام‌بردن از

۴۱. طباطبایی، المیزان، ۱/۱۸۱.

۴۲. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲۹۳/۵؛ مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۴۴۹/۱۱.

۴۳. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۰/۶.

۴۴. احزاب: ۴۳.

۴۵. طبرسی، مجمع البیان، ۹۴/۱.

شخص پیامبر(ص) اولاً، مقام ایشان را معرفی کنند و ثانیاً، به ویژگی‌های مشترک ایشان با اهل بیت(ع) نیز اشاره کنند. بر این اساس، توجه به این نکته که از میان مجموعه صفات، چه صفاتی را انتخاب کرده و بدان تأکید کرده‌اند، برای ما مهم است که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد.

### ۳. ۲. ۱. برگزیده خداوند

مهم‌ترین و پرتکرارترین صفتی که امام سجاد(ع) در دعای عرفه خود برای پیامبر اکرم(ص) و بالتبع برای اهل بیت(ع) ایشان بیان کرده و بدان تأکید بسیار داشته‌اند، مسئله انتخاب و گزینش الهی ایشان است. حضرت سجاد(ع) با عبارات «الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَى»، «بِحَقِّ مَنْ اُنْتَجِبْتَ مِنْ خَلْقِكَ»، «وَبِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ»، «بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ» و «وَمِنْ اجْتَبَيْتَ لِشَائِكَ»، از برگزیدگی و انتخاب پیامبر گرامی اسلام(ص) توسط خداوند متعال یاد می‌کنند. اگرچه واژه «نَجَب» در لغت؛ یعنی کندن پوست درخت،<sup>۴۶</sup> اما مصدر «منتجب» نیز؛ یعنی به صورت اختیاری کسی را بر دیگران برگزیدن، استخلاص و برگزیدن چیزی و اختیارکردن آن.<sup>۴۷</sup>

واژه مصطفی نیز اسم مفعول باب افتعال از ریشه «صفو» است که «تاء» باب افتعال به «طاء» تبدیل شده و به معنای برگزیدن و خالص از هرگونه ناخالصی،<sup>۴۸</sup> انتخاب کردن چیزی برای خود<sup>۴۹</sup> آمده است، ولی در قرآن کریم به معنای برگزیدن چیزی پاک و انتخاب و گزینش شیئی خیر و نیک آمده است. لذا خدای تعالی گوید: «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ»؛<sup>۵۰</sup> یعنی خدا از فرشتگان و مردم، رسولانی بر می‌گزیند. کلمه «اجتباء» نیز اگرچه مترادف با «اصطفاء» است، اما تفاوت آن‌ها در این است که در «اصطفاء»، خالص بودن و جدا بودن از کدورت‌ها و رغبت داشتن به قراردادن چیزی (تصفیه کردن) لحاظ می‌شود و در «اجتباء» جمع بین استخراج و انتخاب کردن مدنظر است.<sup>۵۱</sup>

در تفسیر المیزان، ذیل وصف کلمه اصطفاء آمده است که به معنای چکیده هر چیز است، لذا معنای اصطفاء در موضوع مقام ولایت این است که بنده، در تمامی حالاتش به مقتضای بندگی و عبودیتش رفتار کند و تسلیم صرف پروردگار باشد و این معنا با همان عمل به دین در جمیع شئون تحقق می‌یابد؛ برای اینکه دین چیز دیگری نیست و همان مواد عبودیت در امور دنیا و آخرت

۴۶. فراهیدی، العین، ۱۵۱/۶.

۴۷. جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، ۲۲۲/۱؛ فراهیدی، العین، ۱۵۲/۶؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۳۹۹/۵.

۴۸. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲۹۲/۳.

۴۹. فراهیدی، العین، ۱۶۳/۷؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۱۷۴/۱۲.

۵۰. حج: ۷۵.

۵۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۵۸/۶.

است.))<sup>۵۲</sup> سیدعلی خان شیرازی نیز معتقد است: الإنتجاب و الإصطفاء و الإختیار و الإجتباء، معنای واحد و شبیه به هم دارند و این صفات، نشان از برگزیدگی پیامبر(ص) و ریاست عامه ایشان بر همه خلق و تقرب و نزدیکی ایشان به خدای متعال دارد.<sup>۵۳</sup>

تأکید بسیار امام سجاده(ع) در دعای عرفه بر آن است که پیامبر اسلام(ص)، برگزیده الهی بوده (کد S4 و S79 و S82) و انتخاب ایشان به وسیله خود خداوند صورت گرفته است (کد S6 و S80 و S81). علت این برگزیده شدن نیز دو چیز است: یکی به دلیل شرافت نسب و طهارت اصل و نسب ایشان، همان گونه که خود رسول خدا(ص) فرمودند: «لَمْ يَزَلْ يَنْقُلْنِي اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِ الطَّاهِرِينَ إِلَى أَزْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ حَتَّى أَخْرَجَنِي فِي عَالَمِكُمْ هَذَا.»<sup>۵۴</sup> و دیگری، به دلیل بیان کمال پیامبر(ص) نسبت به سایر خلق و بزرگداشت ایشان، چنان که قرآن می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۵۵</sup> این آیه، نشان از برتری و الگو بودن ایشان برای سایر مخلوقات دارد (کد S5). البته اگرچه مفسران، آیه «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ»<sup>۵۶</sup> را نشان دهنده جامعیت و کامل بودن دین و شریعت اسلام نسبت به ادیان پیشین دانسته اند، اما عبدالله جوادی آملی معتقد است: «کتاب آسمانی هر پیامبری، تجلی شخصیت همان پیامبر(ص) است، پس کمال علمی و شخصیت معنوی پیامبر خاتم(ص) در قرآن ظهور می کند و چون هیمنه، سیطره و فضیلت قرآن بر کتاب های انبیای سلف ثابت شد، سیطره و فضیلت رسول خاتم(ص) بر دیگر انبیا نیز ثابت می شود.»<sup>۵۷</sup> به همین دلیل است که رسول خدا(ص) درباره برتری قرآن می فرماید: «فَضَّلُ الْقُرْآنَ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ.»<sup>۵۸</sup>

### ۳. ۲. ۲. گرامی ترین نزد خداوند

از جمله دیگر صفاتی که امام سجاده(ع) در دعای عرفه خود به طور مکرر برای پیامبر اکرم(ص) بیان کرده و بدان تأکید داشته اند، مسئله جایگاه والا و گرامی ایشان نزد خداوند است. آن حضرت(ع) با تأکید بر عبارت «الْمُكْرَم»، در موارد مختلف برای پیامبر اسلام(ص) به این موضوع اشاره کرده اند. در تحلیل این مطلب می بایست بدین نکته اشاره کرد که کرامت، به معنای دور بودن

۵۲. طباطبایی، المیزان، ۳۰/۱.

۵۳. مدنی، ریاض السالکین، ۴۰/۷.

۵۴. مجلسی، مرآت العقول، ۱۱۷/۱۵.

۵۵. احزاب: ۲۱.

۵۶. مانده: ۴۸.

۵۷. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۲۲/۸.

۵۸. مجلسی، بحار الأنوار، ۱۹/۸۹.



از فرومایگی است و نزدیک‌ترین واژه به آن در زبان فارسی، بزرگواری است. همه انسان‌ها از تکریم عمومی پروردگار متعال برخوردارند، افراد مؤمن و پیروان انبیای الهی نیز از تکریم ویژه برخوردارند، اما این تکریم‌های همگانی نسبی است؛ یعنی کرامت انسان‌ها نسبت به همدیگر متفاوت است و بعضی، از دیگری کریم‌ترند. این مراتب ادامه دارد اما وقتی به ائمه اطهار می‌رسد، این سلسله قطع می‌شود و بالاتر از آن در قلمرو امکان وجود ندارد؛ زیرا تقوای آن‌ها به مرحله عصمت رسیده است؛ چراکه تکریم اهل بیت، تکریم مطلق است.<sup>۵۹</sup> اما ویژگی دیگر پیامبر اسلام(ص) علاوه بر کرامت، تقرب ایشان به خداوند متعال است؛ چراکه واژه «مکرم»، متضاد لثامت و مقابل حقارت و ذلت، به معنای شرافت است<sup>۶۰</sup> و در کرامت، عزت و برتری در وجود خود آن چیز است، نه اینکه نسبت به چیز دیگر برتری داشته باشد.<sup>۶۱</sup>

### ۳.۲.۳. مقرب درگاه خداوند

از جمله دیگر صفاتی که امام سجاد(ع) در دعای عرفه خود برای پیامبر اکرم(ص) و بالتبع برای اهل بیت(ع) بیان کرده‌اند، مسئله مقام و منزل ایشان نزد خداوند است. آن حضرت(ع) با تأکید بر عبارت «الْمُقَرَّبِ» در موارد مختلف برای پیامبر اسلام(ص) به این موضوع اشاره کرده‌اند. در تحلیل این مطلب نیز می‌بایست بدین نکته اشاره کرد که این تقرب از حیث زمانی و مکانی نیست، بلکه به حسب ذات روحانی است.<sup>۶۲</sup> واژه «مقرب» و ریشه «قرب» در موارد زیر به کار می‌رود: نزدیکی زمانی، خویشاوندی به معنای بهره‌مندی، حرمت داشتن از سوی خدا و قدرتمند بودن.<sup>۶۳</sup> در آیات بسیاری به مسئله تقرب و نزدیکی رسول‌الله(ص) به خداوند متعال اشاره شده است که نشان‌دهنده جایگاه و مقام و مرتبه و نهایت نزدیکی رسول‌الله(ص) به خداوند متعال و اوج تشابه به ایشان است. لذا اینکه در سوره نجم می‌فرماید: «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»؛<sup>۶۴</sup> اشاره بدین مطلب مهم دارد که آن حضرت(ص)، شبیه‌ترین مخلوقات به خالقش است و بسیاری از آن صفات و ویژگی‌ها که برای خدای متعال متصور است، برای رسول و فرستاده خاتم او نیز متصور است.<sup>۶۵</sup>

۵۹. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۲۷۳/۳.

۶۰. جوهری، الصحاح، ۲۰۱۹/۵؛ ابن‌درید، جمهرة اللغة، ۷۹۸/۲.

۶۱. جوهری، الصحاح، ۲۰۱۹/۵؛ ابن‌درید، جمهرة اللغة، ۷۹۸/۲.

۶۲. مدنی، ریاض السالکین، ۳۵۹/۶.

۶۳. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۸۰/۵؛ ابن‌درید، جمهرة اللغة، ۳۲۴/۱.

۶۴. نجم: ۸ و ۹.

۶۵. فضل‌الله، من وحی القرآن، ۲۵۴/۲۱.

البته باید بدین توجه داشت که مهم‌ترین عامل تقرب و تشابه به خداوند، اطاعت و بندگی اوست و نیز از آنجاکه ارزش بندگی به معرفت است و هرچه معرفت انسان بیشتر شود، فرمان‌برداری و اطاعت او ارزش بیشتری پیدا می‌کند، لذا با توجه به اینکه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بالاترین درجه معرفت به کُنه ذات ربوبی را داشته‌اند، پس اطاعت و بندگی آنان در بالاترین درجات بوده و در نتیجه، تقرب آنان به پروردگار عالم، بی‌بدیل خواهد بود.<sup>۶۶</sup> بنابراین طبق آیه «إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»،<sup>۶۷</sup> تقرب، کرامت را به دنبال دارد و پیامبر (ص) چون با کرامت‌ترین انسان‌هاست (کد S7)، پس مقرب‌ترین آن‌ها به خداوند متعال است (کد S8).

### ۳. ۲. ۴. واجب‌الاطاعة

بعد از اوصافی که در قسمت قبل ذکر شد، یکی دیگر از مهم‌ترین و پرتکرارترین صفاتی که امام سجاد (ع) در دعای عرفه خود برای پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) بیان کرده و بدان تأکید بسیار داشته‌اند، مسئله واجب‌الاطاعة بودن ایشان است. حضرت سجاد (ع) با عبارات: «بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ»، «وَمَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ»، «بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوْلَانَهُ بِمَوْلَاتِكَ» و «وَمَنْ نُطِئَتْ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ» دائماً بر این نکته تأکید می‌کنند که رسول خدا (ص) واجب‌الاطاعة است و اطاعت از ایشان، متصل به اطاعت از خداوند است (کد S83). این مطلب در قرآن کریم نیز آمده است: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا»<sup>۶۸</sup> و آیه: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»<sup>۶۹</sup>

همچنین آن حضرت در عبارت «وَمَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ» بیان می‌دارند که سرپیچی از نواهی پیامبر (ص)، عقاب به دنبال دارد؛ چراکه معصیت رسول، عین معصیت خداست (کد S84). نکته درخور توجه در این بخش آن است که منظور از عبارت «بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوْلَانَهُ بِمَوْلَاتِكَ» این است که خدا بین محبت خودش و محبت رسول خدا (ص) جمع کرده و این عبارت و عبارت بعدی «وَمَنْ نُطِئَتْ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ»، به منظور تأکید بر عبارت قبل؛ یعنی اطاعت و عدم سرپیچی از رسول خدا (ص) آمده است.<sup>۷۰</sup> و بیان می‌دارند که دوستی و دشمنی با پیامبر (ص)، همانند دوستی و دشمنی با پروردگار متعال است (کد S85 و S86).

۶۶. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۲۸۴/۳.

۶۷. حجرات: ۱۳.

۶۸. نساء: ۸۰.

۶۹. حشر: ۷.

۷۰. مدنی، ریاض السالکین، ۴۱/۷.

#### ۲.۴. ویژگی‌های تجلیل مطلوب بر پیامبر خدا(ص) و اهل بیت(ع)

بخش دیگر از مطالب امام سجاد(ع) در دعای عرفه به‌هنگام تجلیل از پیامبر اکرم(ص)، بیان ویژگی‌های صلواتی مطلوب است که در ادامه برطبق ترتیب فراوانی بدان‌ها اشاره خواهد شد:

##### ۱.۲.۴. صلواتی پاک

اولین ویژگی تجلیل و صلوات بر پیامبر اکرم(ص) و آل او این است که پاک و طاهر باشد: «صَلَاةٌ زَاكِيَةٌ لَا تَكُونُ صَلَاةً اَزْكَى مِنْهَا». کلمه «زکا» در قرآن کریم و احادیث اهل بیت(ع)، به معنای پاک‌سازی و پالایش عناصر فاسد از سالم و طهارت آمده است.<sup>۷۱</sup> در دیگر منابع لغوی هم آمده است منظور از «صلاة زاکیه»، تمام و مبارک بودن است.<sup>۷۲</sup> در فرق بین تزکیه، تطهیر و تهذیب گفته‌اند: تطهیر، ناظر به حصول طهارت در برابر پلیدی است و تهذیب، به حصول صلاح و خلوص نظر دارد و در تزکیه، منظور، پاک‌سازی از عوامل فاسد و عناصر بازدارنده است؛<sup>۷۳</sup> یعنی در آینده، درودی زیادت‌تر و پربرکت‌تر از آن حاصل نشود؛<sup>۷۴</sup> و صلوات بر آنان پاک و خالص باشد (کد S19).

##### ۲.۲.۴. صلواتی فزاینده

ویژگی دوم صلوات آن است که فزاینده؛ یعنی دارای رشد و نمو و برکت باشد: «وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً اَنْمَى مِنْهَا». واژه نامیه از ریشه «نمی»؛ به معنای مرتفع شدن و زیاد شدن و بالا رفتن است،<sup>۷۵</sup> صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت باید فزاینده (کد S20) و رو به رشد و بابرکت برای پیامبر اکرم(ص) و نیز برای انسان باشد که در مباحث قبلی تفصیل این مطلب بیان شد.

##### ۳.۲.۴. صلواتی رضایت‌بخش

ویژگی دیگر آن است که رضایت‌بخش باشد. این مطلب را دو مرتبه امام سجاد(ع) در دعای عرفه بیان کرده‌اند: «وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا» و «صَلَاةً مَرْضِيَةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ». مفهوم اصطلاحی رضا عبارت است از: ترک اعتراض بر مقدرات خداوند در باطن و ظاهر؛ هم در قول و هم در عمل<sup>۷۶</sup> و رضایت، حالتی است که در برخورد با هر چیز ملایم، بر نفس انسان عارض می‌شود و آن را می‌پذیرد. در مقابل رضایت، کلمه سخط قرار دارد و این دو کلمه

۷۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۳۳۷/۴؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۳۸۰.

۷۲. طریحی، مجمع البحرین، ۲۰۶/۱.

۷۳. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۳۳۷/۴.

۷۴. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۰/۶.

۷۵. طریحی، مجمع البحرین، ۴۲۱/۱؛ حمیری، شمس العلوم، ۶۷۶۰/۱۰.

۷۶. نراقی، معراج السعادة، ۱۱۸۴.

وقتی به خدای سبحان نسبت داده می‌شود، مراد از آن ثواب و عقاب او خواهد بود. پس رضای خدا، به معنای ثواب‌دادن و پاداش‌دادن است.<sup>۷۷</sup> در جای دیگر، در معنای رضایت آمده است که رضای خدا از بنده، به معنای محبت اوست و در آخرت، سبب دوام نظر و تجلی می‌شود که برتر از آن مرتبه‌ای نیست.<sup>۷۸</sup>

اینکه امام چهارم (ع) می‌فرماید: درودی را بر پیامبر (ص) و اهل بیت بفرست که هم راضیه باشد و هم مرضیه و خشنودی خداوند و غیر خداوند را در پی داشته باشد (کد S23 و S54)؛ یعنی طوری صورت بگیرد که به دنباله‌اش خدای سبحان از این عمل خشنود شود. شاید بتوان گفت نحوه و زمان فرستادن صلوات هم از مواردی است که خشنودی بیشتر خدا و اهل بیت را به دنبال دارد. یکی از آداب صلوات، فرستادن آن در شب و روز جمعه است. در روایت است امام صادق (ع) فرمودند: «الْصَّدَقَةُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَيَوْمَهَا بِالْفِ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ بِالْفِ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَيَحُطُّ اللَّهُ فِيهَا أَلْفًا مِنَ السَّيِّئَاتِ وَيُزْفَعُ فِيهَا أَلْفًا مِنَ الدَّرَجَاتِ»؛<sup>۷۹</sup> صدقه‌دادن در شب جمعه و روز آن و نیز صلوات شب جمعه و روز آن، برابر هزار حسنه است و هزار سیئه به وسیله آن نابود می‌شود و هزار درجه بر مقام آدمی افزوده می‌شود.

#### ۴.۲.۴. صلواتی شایسته

ویژگی دیگر صلوات آن است که شایسته شخص و مقام و جایگاه پیامبر اکرم (ص) باشد و به صورت ویژه و اختصاصی، فقط در شأن آن حضرت قرار گیرد: «وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا، وَلَا تَرَى غَيْرَ لَهَا أَهْلًا»؛ و بر او درود فرست، درودی که جز آن را برای او نپسندی و جز او را شایسته آن نبینی. خداوند، جز با اتم صلوات و اکمل رحمت بر پیامبر (ص) راضی نمی‌شود و اگر در بین صلوات‌ها، صلواتی شریف‌تر و بالاتر از صلوات دیگر وجود داشته باشد، خداوند جز آن را برای ایشان نمی‌پسندد، چون پیامبر (ص) در مرتبه‌ای است که احدی در شرف و کمال نمی‌تواند با او شریک شود، به همین دلیل حضرت از خداوند خواسته صلواتی بر پیامبر (ص) بفرستد که هیچ‌کس جز پیامبر (ص) مستحق دریافت آن نیست،<sup>۸۰</sup> پس درود و صلوات خاص خداوند به گونه‌ای است که شایسته مقام پیامبر (ص) و اهل بیت است (کد S30).

اگرچه در این عبارت از دعا و در آیه ۵۶ سوره احزاب، صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبر

۷۷. طباطبایی، المیزان، ۲۸۴/۱۸.

۷۸. نراقی، جامع السعادات، ۲۰۷/۳.

۷۹. مفید، المقفه، ۱۵۶.

۸۰. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۲/۶.

اکرم(ص) مطرح شده است، ولی روایات نبوی مبین و مفسر آیه شریفه، بیانگر این مطلب اند که آل پیامبر(ص) نیز در این شرافت و منقبت ویژه الهی با رسول خدا(ص) اشتراک دارند، پس برترین و خاص ترین درود خداوند اختصاص به پیامبر(ص) و همین طور آل آن حضرت دارد (کد S29). طبرسی ذیل تفسیر آیه ۵۶ سوره احزاب می گوید که: چون خداوند متعال، اول این سوره را با ذکر پیامبر(ص) آغاز کرد و در میانه آیه هم به بزرگداشت ایشان پرداخت، درانتها ایشان را تعظیمی کرد که هیچ تعظیمی مانند آن نیست. پس فرمود: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»؛<sup>۸۱</sup> یعنی همانا خدا درود فرستاد بر پیامبر(ص) و ستایش کرد بر او به ستایش نیکویی و احترام کرد او را به بزرگ ترین مراتب احترام و نیز فرشتگان درود بر او فرستاده و او را ستودند به بهترین ستودن ها و دعا کردند بر او به پاکیزه ترین دعاها.<sup>۸۲</sup> «این آیه، بزرگ ترین دلیل است بر اینکه پیامبر اکرم(ص) مهبط همه رحمت ها و برترین اولین و آخرین به صورت مطلق است؛ زیرا درود خدا بر پیامبرش عبارت است از: رحمت همراه با تعظیم و درود خدا بر غیر پیامبر(ص)، مطلق رحمت است (بدون همراه بودن با تعظیم)، پس به تفاوت این دو صلوات و فرق میان این دو مقام بیندیش. از این رو، پیامبر(ص) منبع همه رحمت ها و تجلیات است.»<sup>۸۳</sup>

#### ۴. ۲. ۵. صلواتی دائم و همیشگی

یکی دیگر از ویژگی های صلوات آن است که می بایست به صورت دائم و همیشگی باشد. این مطلب را امام سجاد(ع) در دعای عرفه خویش به دفعات و با عبارات مختلف بیان کرده اند: «وَيَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبَقَائِكَ»، «وَلَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ»، «صَلَاةٌ لِأَمَدٍ فِي أَوْلَاهَا»، «وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا»، «وَلَا نِهَائَةَ لِآخِرِهَا» و «صَلَاةٌ تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ» که همه این عبارات، ناظر به همیشگی و دائمی بودن صلوات بر پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) هستند. در این عبارت از دعا، منظور از اتصال، استمرار صلوات و عدم انقطاع آن است و می رساند همچنان که وجود خداوند باری تعالی انتها ندارد، درودی بر پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان فرستاده شود که انتهایی برای آن تصور نشود. لذا صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت باید بی پایان و همیشگی باشد (کد S36)، همچنان که کلمات خداوند بی پایان است. این عبارت از دعا، تلمیحی به آیه قرآن دارد که می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ

۸۱. احزاب: ۵۶.

۸۲. طبرسی، مجمع البیان، ۵۷۸/۸.

۸۳. صابونی، صفوة التفسیر، ۴۹۳/۲.

كَلِمَاتُ اللَّهِ»؛<sup>۸۴</sup> و اگر آنچه درخت در زمین است، قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. در تفسیر این آیه آمده است، مقصود از کلمات، تمام آن چیزی است که تحت قدرت و علم خداست؛ زیرا قدرت خدا غیرمتناهی و مقدراتش نیز غیرمتناهی است؛ بنابراین کلماتی که دلالت بر آن مقدرات دارد نیز غیرمتناهی می‌شود.<sup>۸۵</sup>

#### ۴. ۲. ۶. صلواتی عام و کامل

ویژگی دیگر صلوات آن است که می‌بایست عام و کامل و جامع باشد. امام سجاده (ع) این مفهوم را در عبارات مختلفی مانند: «و مُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِمْ أَبَدًا» و نیز «صَلَاةٌ تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ» بیان می‌کنند؛ بدین معنا که، صلوات بر پیامبر (ص) و اهل بیت باید همیشگی و ابدی و کامل و جامع باشد و تمامی انواع و اقسام تجلیل‌ها و درودها را شامل شود. کلمه احاطه از ریشه «حوط»، به معنای حفظ و صیانت دیواری است که مکانی را محدود و احاطه می‌کند.<sup>۸۶</sup> «سالفه» نیز در لغت، به معنای گذشتن و پیشرو و طلایه‌دار و پیشی‌گیرنده است.<sup>۸۷</sup> «مستأنفه» نیز از ریشه «أنف»، به معنای آغاز و اول هر چیزی معنا می‌دهد؛<sup>۸۸</sup> یعنی صلواتی کامل و جامع و عام در همه زمان‌ها باید شامل حال پیامبر (ص) و اهل بیت باشد (کد S50).

#### ۴. ۲. ۷. صلواتی فراگیر

ویژگی دیگر آن است که صلوات باید توسط همه مخلوقات و فراگیر باشد، به گونه‌ای که هم همه اعضا و جوارح انسان در حال تجلیل و درود بر پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) او باشند و هم همه مخلوقات جهان هستی مشغول این عمل شوند. این مطلب را امام سجاده (ع) با عبارات ذیل در دعای عرفه خود بیان کرده‌اند: «صَلَاةٌ تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ»، «وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّتِكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ» و «وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ» که شامل همه آفریده‌های الهی است و در بخش تجلیل‌کنندگان از پیامبر (ص) و اهل بیت به تفصیل آن پرداخته شده است.

#### ۴. ۲. ۸. صلواتی بی‌شمار

ویژگی دیگر آن است که صلوات، بی‌شمار و کثیر و بی‌حد و حصر باشد که این مطلب نیز با

۸۴. لقمان: ۲۷.

۸۵. طبرسی، مجمع البیان، ۵۰۴/۸.

۸۶. ابن اثیر، النهاية، ۴۶۱/۱.

۸۷. جوهری، الصحاح، ۱۳۷۶/۴.

۸۸. راجب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۹۵.

عبارات ذیل در دعای عرفه امام سجاده(ع) بیان شده است: «و تَنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا»، «و تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يُعَدُّهَا غَيْرُكَ» و «و عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ» که نشان می‌دهد صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت باید فراوان و بی‌حد و حصر (کد S55) و غیرقابل شمارش باشد (کد S57 و S74). در اینجا حضرت سجاده(ع) می‌فرماید که: «خدایا به صلوات‌های قبلی، صلوات‌های جدیدی اضافه کن»؛ به این معنا که، تمام صلوات‌ها را یک‌جا جمع کن. لذا مراد از مضاعف کردن صلوات‌ها، پدید آوردن صلوات‌های دیگر است تا تعداد آن‌ها همراه با درودهای قبلی افزون شود.<sup>۸۹</sup>

در خصوص این قسمت از دعای امام سجاده(ع) نیز که می‌فرماید: «و عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ»، گویا اشاره به چند طبقه بودن زمین دارد، چنان‌که در آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ»<sup>۹۰</sup> به این امر اشاره شده که زمین نیز همانند آسمان، هفت قسمت است که در این باره مطالب مفصلی در تفاسیر بیان شده است.<sup>۹۱</sup>

#### ۴. ۲. ۹. صلواتی عظیم و وزین

ویژگی دیگری که برای صلوات مطلوب و شایسته بر پیامبر اکرم(ص) و آل او در دعای عرفه بیان شده، مسئله عظیم و وزین و ارزشمند بودن آن است. این مطلب، با عبارات «زِنَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ» و «و مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ» بیان شده است که به ارزش و عظمت صلوات بر پیامبر(ص) و وزین بودن آن دلالت می‌کنند. زینت بودن برای عرش کبریای خداوند و همه عالم، گنجیدن در ظرفیت تمام آسمان‌ها، معیاری است برای ارزش، عظمت و وزین بودن صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان (کد S72 و S73). در اینجا کلمه عرش عبارت است از آن مقامی که فرمان‌های الهی از آن مقام صادر می‌شود، فرامینی که با آن، امر عالم را تدبیر می‌کند.<sup>۹۲</sup> علامه طباطبایی معتقد است: «در عالم کون با همه اختلافی که در مراحل آن است، مرحله‌ای وجود دارد که زمام جمیع حوادث و اسباب که علت وجود آن حوادث اند و ترتیب و ردیف کردن سلسله علل و اسباب منتهی به آنجاست و نام آن مرحله و مقام، «عرش» است و در آیه «ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» نیز کنایه از استیلا و تسلط خداوند بر ملک خود و قیام به تدبیر امور آن است، به طوری که هیچ موجود کوچک و بزرگی از قلمرو تدبیرش ساقط نمی‌شود و در تحت نظامی دقیق، هر موجودی را

۸۹. مدنی، ریاض السالکین، ۳۷۰/۶.

۹۰. طلاق: ۱۲.

۹۱. نک: طباطبایی، المیزان، ۳۲۵/۱۹.

۹۲. طباطبایی، المیزان، ۲۹۸/۱۷.

به کمال واقعی‌اش رسانیده و حاجت هر صاحب حاجتی را می‌دهد و لذا خداوند پس از ذکر استواء، تدبیر خود را ذکر می‌کند.<sup>۹۳</sup>

## ۵. ۲. آثار تجلیل از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)

تجلیل از پیامبر اکرم (ص) و آل او با صلوات فرستادن بر آنها، دستور خداوند متعال در قرآن مجید است.<sup>۹۴</sup> پس بندگان خدا وظیفه دارند امر خداوند را اطاعت کنند و بر آنها درود بفرستند. طبیعی است که این درخواست نزول رحمت و مغفرت توسط مؤمنان از خداوند و مستجاب شدن آن و نزول بیش از پیش رحمت الهی بر آن مخلوق بی‌همتا نمی‌تواند بی‌نتیجه و بی‌ثمر باشد، به‌ویژه آنکه خداوند قبل از اینکه کسی از او درخواست فرستادن صلوات بر پیامبر (ص) کند، خود بر او صلوات فرستاده و رحمت و نعمتش را بر او نازل کرده است. امام سجاده (ع) در دعای عرفه خویش، در مواردی تلاش کرده‌اند تا برخی از برکات و آثار و نتایج صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم (ص) و آل او را تبیین کنند که پس از تحلیل محتوای این دعا، برخی از آنها استخراج شده که به شرح ذیل بیان می‌شود.

### ۵. ۲. ۱. افزایش کرامت خداوند

از مهم‌ترین آثار و نتایج صلوات از منظر دعای عرفه امام سجاده (ع) این است که سبب افزایش کرامت الهی بر رسول خدا (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت می‌شود، آنجا که امام چهارم می‌فرماید: «صَلَاةٌ تُجْزَلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ». در کتاب‌های لغت، واژه «جزل» به معنای عطای بسیار و کثیر آمده است.<sup>۹۵</sup> همچنین در ریاض السالکین آمده است که: عطای جزیل، یعنی به آن‌ها وسعت بده.<sup>۹۶</sup> واژه «نَحْلٍ» در عبارت فوق نیز به معنای اعطا کردن بدون درخواست عوض و چیزی است.<sup>۹۷</sup> در مفردات آمده است که «نَحْلٍ»، بخشش و هبه‌ای است مثل تبرّع،<sup>۹۸</sup> ولی باید گفت که هبه، عام و فراگیرتر از نَحْلَة است. به عبارت دیگر، هر هبه‌ای، نَحْلَة است ولی هر نَحْلَة‌ای هبه نیست. نَحْلَة، یعنی بخشش چیزی پرسود و منفعت چنان‌که زنبور عسل بر اشیا قرار می‌گیرد و درعین حالی که به آن‌ها زیبایی نمی‌رساند، بهترین سود و فایده را برداشت می‌کند. در کتاب فروق اللغة بین معنای نَحْلَة و عطیه تفاوت قائل شده و گفته شده است که عطیه،

۹۳. طباطبایی، المیزان، ۱۵۰/۸.

۹۴. نک: اعراف: ۵۶.

۹۵. جوهری، الصحاح، ۱۶۵۵/۴؛ فراهیدی، العین، ۶۷/۶؛ ابن‌سیده، المحکم و المحیط، ۲۹۲/۷.

۹۶. مدنی، ریاض السالکین، ۳۷۸/۶.

۹۷. فراهیدی، العین، ۲۳۰/۳.

۹۸. نک: راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۷۹۵.



حالت کلی تری نسبت به نحله دارد. نحله را انسان با طیب نفس و خاطر اعطا می‌کند و در اصل، عطیه‌ای است بدون معارض.<sup>۹۹</sup>

علامه طباطبایی نیز معتقد است که: کلمهٔ نحله، به معنای عطیه‌ای است مجانی که در مقابل ثمن قرار نگرفته باشد.<sup>۱۰۰</sup> ایشان در جایی دیگر می‌نویسد: «مقصود از تکریم، اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، چون تکریم، معنایی است نفسی و در تکریم، کاری به غیر نیست؛ بلکه تنها شخص مورد تکریم مد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود.»<sup>۱۰۱</sup> بنابراین، صلوات سبب افزایش بخشش و کرامت خداوند بر پیامبر(ص) و اهل بیت است (کد S60) و آن‌طور که در معنای نحله آمد، حضرت زین العابدین(ع) از خداوند درخواست می‌کند که پروردگار متعال عطیه‌ای به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بدهد که با طیب نفس و بدون عوض باشد. همچنین به آنان کرامت کند، یعنی به آنان به‌طور خاص، شرافت و عنایت خاص کرده است، به‌طوری که این عنایت را به کس دیگری نکرده باشد و در این بخشش و کرامت، فزونی ببخشد.

#### ۵. ۲. ۲. تکمیل عطا و بخشش خداوند

از دیگر آثار و نتایج صلوات بر پیامبر اکرم(ص) و آل او در کلام امام سجاد(ع) این است که خدای متعال، عطا و بخشش خود را بر آن‌ها تمام و کمال عرضه کند. آن حضرت(ع) در بخشی از دعای عرفه به‌هنگام تجلیل از رسول‌الله(ص) می‌فرماید: «و تَكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ»؛ و عطاها و بخشش‌های افزون خود را بر آنان کامل نما. در اینجا، کلمهٔ الْأَشْيَاءَ عبارت است از: پدیده‌های موجود. واژهٔ عطا یا نیز از ریشهٔ «عطو»، به معنای تناول با دست، تناول و بخشیدن است و جمع عطیه مخصوص جایزه‌دادن است.<sup>۱۰۲</sup> در معاجم عربی، برای معنای عطیه از کلمهٔ تناول، به معنای گرفتن استفاده شده است، ولی درحقیقت، منظور همان اعطا و دادن است؛ چراکه راغب می‌گوید: «تَوَلَّ» همان تناول و گرفتن است و در ادامه، می‌گوید: تناولت و أعطيته یعنی آن را دادم.<sup>۱۰۳</sup>

در این عبارت از دعا، امام سجاد(ع) از خداوند خواسته است که علاوه بر عطا و بخشش و

۹۹. عسکری، الفروق فی اللغة، ۱۶۳/۱.

۱۰۰. طباطبایی، المیزان، ۱۶۹/۴.

۱۰۱. طباطبایی، المیزان، ۱۵۶/۱۳.

۱۰۲. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۳۵۳/۴؛ فراهیدی، العین، ۲۰۸/۲.

۱۰۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۶۱۶ و ۸۲۹.

جایزه خاص خود به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، به صورت اضافی و زیادت هم به آنها بیخشد و با این کار بخشش خود را بر آنها کامل کند (کد S61). بنابراین، یکی دیگر از آثار و برکات صلوات، تکمیل عطا و بخشش خداوند بر پیامبر اکرم (ص) و آل اوست.

### ۵. ۲. ۳. افزایش بهره‌مندی از نعمات خداوند

یکی دیگر از آثار صلوات در کلام امام سجاده (ع)، افزایش بهره پیامبر اکرم (ص) و آل او از نعمات الهی دانسته شده است (کد S66). امام سجاده (ع) می‌فرماید: «وَتُوقَّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظُّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ». در اینجا عبارت حَظُّ، به معنای نصیب بردن از فضل، خیر، بهره و نصیب معین آمده است.<sup>۱۰۴</sup> کلمه عوائد نیز جمع عانده، به معنای منفعت یا هر سودی که از چیزی به انسان عاید شود.<sup>۱۰۵</sup> بنابراین، بهره‌مندی از عوائد و فوائد؛ یعنی آنچه خدا برای بنده‌اش از خیر افاده کرده است، بیش از پیش نصیب و بهره او شود. منظور از خیر نیز چیزی است که به صورت برکت برای انسان حاصل می‌شود، لذا علم و ادب نیز از جمله فوائد هستند.<sup>۱۰۶</sup>

آنچه از این عبارات دعا حاصل می‌شود آن است که حضرت سجاده (ع) از خداوند درخواست می‌کند درودی بفرستد که سبب مزید افاضات و نعمت‌های باری تعالی بر آنان باشد و تکثیر و توفیر آن نعمت‌ها را از خداوند خواستار است. پس صلوات، سبب افزایش بهره پیامبر (ص) و اهل بیت از نعمات خداوند است (کد S62) که با توجه به معنای لغوی واژه‌ها، این بهره‌ها می‌تواند از جهات گوناگون؛ از جمله مالی، علمی، ادبی و کسب فراوان هرگونه خیر و فضیلت باشد.

### ۵. ۲. ۴. تقرب بیشتر به خداوند

همان‌گونه که در بخش ویژگی‌های مورد تجلیل پیامبر اکرم (ص) گفته شد، امام سجاده (ع) معتقدند: رسول خدا از جمله گرامی‌ترین و مقرب‌ترین بندگان در نزد خداوند است و به همین دلیل، شایسته تجلیل و تعظیم است. اما نکته جالب این است که ایشان در قسمت دیگری از دعای خود، یکی دیگر از آثار و برکات صلوات بر آن حضرت را تقرب بیشتر به خداوند متعال بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «صَلَاةٌ تَقْرِبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى»؛ یعنی خدایا چنان صلوات و درودی بر آنها بفرست که آنان را هر چه بیشتر به تو نزدیک سازد. این مطلب نشان می‌دهد که کلیدواژه «قرب»، بحثی مهم در خصوص صلوات و تجلیل از رسول خدا (ص) است، چنان‌که این موضوع با واژه‌های گوناگونی در

۱۰۴. صاحب‌بن‌عیاد، المحیط فی اللغة، ۳۰۹/۲؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۲۷۳/۳.

۱۰۵. جوهری، الصحاح، ۵۱۴/۲.

۱۰۶. فیومی، المصباح المنیر، ۴۸۵/۲؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۲۴/۳.

قرآن کریم نیز تأکید شده است.<sup>۱۰۷</sup> ذیل آیه «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»<sup>۱۰۸</sup> نیز آمده است که امام صادق(ع) فرمودند: «منظور از مقربان، آل محمد(ص) هستند.»<sup>۱۰۹</sup>

در علم اخلاق، قرب به خدا را مطلوب نهایی انسان معرفی کرده و معیار باارزش بودن کار اخلاقی را تأثیری دانسته‌اند که در تقرب انسان به خداوند سبحان دارد.<sup>۱۱۰</sup> مصباح یزدی در بیان معناهای مختلف از قرب الهی می‌نویسد: «برخی گفته‌اند که منظور از قرب به خدا، افزایش علم، قدرت و کمال انسان و کاسته شدن از اختلاف و فاصله بین کمال انسان با کمال خداست. برخی گفته‌اند که معنای تقرب به خداوند این است که شخص چنان منزلتی نزد خدا یافته است که هرچه بخواهد خدا به او عنایت می‌کند. نظر سوم اینکه، تقرب به خدا امری حقیقی و واقعی است و در واقع به مقوله علم و شهود مربوط می‌شود.»<sup>۱۱۱</sup> از منظر امام سجاده(ع)، صلوات سبب تقرب بیشتر پیامبر(ص) و اهل بیت به خداوند است (کد S75) و اینکه تقرب با کلمه زلفی آمده است، نشان از آن دارد که گویی حضرت سجاده(ع) از خدا مرتبه بالاتری از قرب و نزدیکی را برای معصومان خواهان است.

#### ۵. ۲. ۵. جلب خشنودی خداوند

از نگاه امام سجاده(ع)، یکی دیگر از نتایج و آثار صلوات، جلب خشنودی و رضایت خداوند است. حضرت علی بن حسین(ع) در چند قسمت دعای عرفه می‌فرماید: «وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَي رِضَاكَ لَهُ»، «صَلَاةً تَجَاوِزُ رِضْوَانَكَ» و «وَتَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى». رضوان در لغت اسم موضوع از کلمه رضا و به معنای خشنودی زیاد است؛ چون بزرگ‌ترین رضا، خشنودی خدای تعالی است،<sup>۱۱۲</sup> لذا واژه رضوان در قرآن به هرچه که از اوست اختصاص یافته است. مفسران معتقدند رضوان حالتی است که در نفس آدمی هنگام برخورد با چیزی که ملایم طبع اوست پیدا می‌شود و نفس از پذیرفتن آن امتناع نمی‌ورزد و درصدد دفع آن بر نمی‌آید. در مقابل این حالت، حالت سخط و خشم است که در هنگام برخورد با ناملایمات، در نفس پیدا می‌شود و نفس درصدد دفع آن بر می‌آید.»<sup>۱۱۳</sup> از طرفی، منظور از تجاوز از رضوان یا رضایت بیش از اندازه

۱۰۷. نک: مانده: ۲۷؛ مریم: ۵۲؛ سبأ: ۳۷؛ توبه: ۹۹؛ واقعه: ۱۱.

۱۰۸. مطففین: ۲۸.

۱۰۹. قمی، تفسیر القمی، ۴۱۱/۲.

۱۱۰. نک: مصباح، فلسفه اخلاقی، ۱۸۲.

۱۱۱. مصباح، فلسفه اخلاقی، ۳۳۳.

۱۱۲. فراهیدی، العین، ۵۷/۷.

۱۱۳. طباطبایی، المیزان، ۱۰۶/۳؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴۶۱/۲.

خدا؛ «صَلَاةٌ تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ» (کد S75)، تجاوز از مقداری است که پیامبر (ص) و اهل بیت به سبب اطاعت از خداوند مستحق احسان پروردگار می شوند؛ یعنی خداوند بر آنان درودی بفرستد که از این مقدار هم فراتر باشد.<sup>۱۱۴</sup>

بنابراین، باید گفت که صلوات و درود بر پیامبر خدا (ص) افزون بر اینکه نشانه ایمان و لازمه آن است؛ بلکه بر اساس آیات و روایات، عاملی برای جلب محبت آن حضرت و خشنودی وی و در نتیجه خشنودی، رضایت و محبت الهی است. در همین زمینه، از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمودند: «صَلَاتُكُمْ عَلَيَّ مُجَوِّزَةٌ لِدُعَائِكُمْ وَ مَرْضَاةٌ لِرَبِّكُمْ وَ زَكَاةٌ لِأَعْمَالِكُمْ»؛ صلوات فرستادن شما بر من، مجوز (پذیرفته شدن) دعای شما و مایه خشنودی پروردگارتان و زکات بدن های شماست.<sup>۱۱۵</sup> در روایت دیگری نقل می کنند که: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَدَاً رَاضِياً فَلْيُكْثِرِ الصَّلَاةَ عَلَيَّ»؛ کسی که دوست دارد خدا را فردای قیامت ملاقات کند، درحالی که از او خشنود باشد، پس زیاد بر من صلوات بفرستد.<sup>۱۱۶</sup> امام باقر (ع) نیز صلوات را مهم ترین سفارش خدای رحمان و کلید خشنودی او یاد فرموده است: «ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ»؛<sup>۱۱۷</sup> چراکه وقتی خداوند از فرستادن صلوات بر پیامبر (ص) و اهل بیت خشنود می شود (کد S26 و S34 و S76)؛ یعنی خداوند فرستندگان صلوات بر ایشان را دوست دارد (کد S28) و این مسئله، نشان از جایگاه رفیع پیامبر (ص) و اهل بیت نزد خداوند دارد (کد S27).

#### ۵. ۲. ۶. جلب خشنودی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)

نکته شایان توجه در دعای عرفه آن است که امام سجاد (ع)، هم جلب رضایت خداوند و هم جلب رضایت پیامبر اکرم (ص) و آل او را به عنوان آثار و نتایج صلوات بیان کرده و می فرمایند: «صَلَاةٌ تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَيَّ رِضَاً» و «وَ تَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى»؛ به این معنا که، صلوات سبب خشنودی و رضایت بی اندازه رسول خدا (ص) و اهل بیت ایشان است (کد S25 و S77). در اینجا منظور از رضایت، رضایتی است که به معنای قناعت کردن و کافی بودن باشد. حال وقتی مراتب کرامت پیامبر (ص) نزد خداوند سبحان بسیار بالاست و ایشان محبوب ترین مخلوقات در نزد پروردگار متعال و گرامی ترین آن هاست، پس طبیعی است که صلواتی باید بر او فرستاده شود که

۱۱۴. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۳/۶.

۱۱۵. مجلسی، بحار الأنوار، ۶۸/۹۱.

۱۱۶. متقی هندی، کنز العمال، ۵۰۴/۱.

۱۱۷. کلینی، الکافی، ۱۹/۲.

بیشتر از رضایت ایشان و به اندازه استحقاق ایشان باشد.<sup>۱۱۸</sup>

خشنودی پیامبر(ص) طبق روایات می تواند مقام شفاعت ایشان در آخرت باشد؛ چراکه در روایتی از رسول خدا(ص) آمده است که هرکس بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ شَهِدْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالشَّهَادَةِ وَشَفَعْتُ لَهُ»؛<sup>۱۱۹</sup> بار خدایا! بر محمد و آل محمد(ص) صلوات و درود فرست، چنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) فرستادی و بر محمد و آل محمد(ص) رحم کن، چنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) رحم کردی. من در روز قیامت برای او شهادت می دهم و از او شفاعت می کنم. در روایتی دیگر، رسول خدا(ص) مردم را به فرستادن صلوات بسیار سفارش کرده و یک بار درودفرستادن بر ایشان را سبب ده بار پاسخ از سوی آن حضرت بیان کرده اند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَشْرًا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ مِائَةً فَلْيَكْثِرْ أَمْرُؤُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ أَوْ فَلْيُقِلَّ.»<sup>۱۲۰</sup>

## ۲.۶. تجلیل کنندگان از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)

بخش دیگری از مطالب بیان شده در دعای عرفه در خصوص مقوله تجلیل و تعظیم از پیامبر اکرم(ص) و آل او درباره اشخاصی است که به این مسئله پرداخته و مشغول درودفرستادن بر آن حضرات هستند. تحلیل دقیق عبارات امام سجاد(ع) نشان می دهد که آن حضرت، شش گروه را از جمله تجلیل کنندگان و درود فرستندگان به رسول خدا(ص) معرفی کرده اند که عبارت اند از: ملائکه، انس، جن، اهل طاعت، اهل اجابت، تمام مخلوقات. در دعای عرفه آمده است: «صَلَاةٌ تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ تَشْتَمِلُ عَلَيَّ صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ وَ تَجْتَمِعُ عَلَيَّ صَلَاةُ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ». بر اساس این عبارت، فرشتگان، تمام بندگان خدا؛ اعم از جن و انس، اهل طاعت و اجابت و در نهایت، همه مخلوقات الهی بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) درود می فرستند (کد S40).

دانستیم که درود ملائکه بر پیامبر(ص)، انعطاف ایشان است بر وی، به اینکه او را تزکیه و برایش استغفار کنند و صلاة مؤمنان بر او انعطاف ایشان است به وسیله درخواست رحمت برای

۱۱۸. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۲/۶.

۱۱۹. مجلسی، بحار الأنوار، ۸۷/۹۱.

۱۲۰. مجلسی، بحار الأنوار، ۲۵۴/۶.

او،<sup>۱۲۱</sup> چنان که برخی دیگر گفته‌اند: صلوات از سوی ملائکه، استغفار است و از سوی مردم، دعا کردن.<sup>۱۲۲</sup> بنابراین، از نکاتی که می‌توان از متن دعای عرفه امام سجاد(ع) برداشت کرد این مطلب است که جایگاه پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت او، از جایگاه دیگر پیامبران و رسولان الهی بالاتر است؛ چراکه آنان نیز موظف‌اند بر رسول خدا(ص) و ائمه اطهار درود بفرستند. در این باره، روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که: فردی نزد ایشان، نام یکی از پیامبران را برد و بر آن پیامبر صلوات فرستاد. در این هنگام، حضرت صادق(ع) فرمودند: «هرگاه نام یکی از پیامبران به میان آمد، ابتدا بر پیامبر خاتم(ص) و سپس بر آن پیامبر چنین درود بفرست: «صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ.»<sup>۱۲۳</sup>

در خصوص برتری مقام امامان معصوم بر پیامبران پیشین نیز میان متکلمان امامیه اختلاف نظر وجود دارد، اما اکثر عالمان مسلمان باور دارند که آنان بر همه پیامبران الهی جز رسول خاتم(ص) برتری دارند. بر اساس این دیدگاه، امامان معصوم(ع) مظهر کامل ولایت الهی در عرصه تکوین و تشریح‌اند، پس والایی مقام آنان بر پیامبران پیشین حتی رسولان اولوالعزمی، مانند حضرت ابراهیم(ع) را نیز شامل می‌شود.<sup>۱۲۴</sup> افزون بر این، در برخی روایات آمده است که در بسیاری از پیش آمدها و مشکلات، انبیای خدا به پیامبر(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت توسل کرده و آن‌ها را واسطه قرار داده‌اند که همین نشان از جایگاه و شناختی است که آنان از این اولیای خدا دارند.<sup>۱۲۵</sup>

همچنین باید بدین نکته اشاره کرد که منظور از عباد در دعای امام سجاد(ع)، همه بندگان خدا نیستند؛ بلکه کسانی هستند که قرآن درباره آن‌ها می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»،<sup>۱۲۶</sup> آن هم به دلیل عطف شدن اهل اجابت به این عبارت، یعنی عطف عام به خاص است. البته بعضی از مفسران هم قائل‌اند که در بیشتر آیات قرآن، لفظ عباد اختصاص به مؤمنان دارد، مانند: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»،<sup>۱۲۷</sup> «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ»<sup>۱۲۸</sup> و «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي»<sup>۱۲۹</sup> بنابراین، منظور از اهل

۱۲۱. نک: طباطبایی، المیزان، ۳۳۸/۱۶.

۱۲۲. فضل‌الله، من وحی القرآن، ۳۴۶/۱۸.

۱۲۳. ابن‌بابویه، الأمالی، ۳۸۰.

۱۲۴. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۱۶۸/۹.

۱۲۵. نک: مجلسی، بحار الأنوار، ۳۶۶/۱۶.

۱۲۶. فرقان: ۲۳ و ۲۴.

۱۲۷. زمر: ۱۷ و ۱۸.

طاعت و اجابت کسانی هستند شامل جن و انس که باتوجه به آیه «یا قَوْمَنَا أَجِیْبُوا دَاعِیَ اللّٰهِ»<sup>۱۲۸</sup>، دعوت داعی الله؛ یعنی حضرت محمد(ص) را اجابت کرده و به او ایمان آوردند،<sup>۱۳۱</sup> پس هر جن و انسی شایسته فرستادن صلوات و توفیق درود بر رسول خدا(ص) را ندارد، بلکه آنانی توفیق می یابند که دعوت رسول خدا(ص) را اجابت کنند و مؤمن به او باشند.

### نتیجه گیری

به منظور تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاد(ع) با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای مضمونی، صرفاً مقوله ای خاص و شاخص در این دعای ارزشمند بررسی و تحلیل شد. نتایج حاصل از استخراج مضامین اصلی و فرعی همه دعای عرفه نشان داد که مقوله تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) در این دعا از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است، به گونه ای که حضرت سجاد(ع) در چندین موقعیت به این موضوع پرداخته و مطالب مهمی را در این زمینه بیان کرده است.

تحلیل دقیق و کیفی مجموعه مضامین این مقوله نشان داد که آن ها را می توان ذیل پنج مضمون اصلی و بیست و هشت مضمون فرعی دسته بندی کرد. منظور از مضامین اصلی، مضامین عام و کلی هستند که درباره موضوعی خاص در متن حضور فعال دارند. این پنج مضمون اصلی عبارت اند از: چستی تجلیل، ویژگی های مورد تجلیل، ویژگی های تجلیل مطلوب، آثار تجلیل، تجلیل کنندگان.

امام سجاد(ع)، منظور از تجلیل و درود فرستادن بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) را ارائه برترین درودها و تحیات، کامل ترین خیرات و برکات و پر بارترین رحمت ها تفسیر کرده اند. در این دعا، چهار ویژگی خاص به عنوان ضرورت و چرایی تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) بیان شده که عبارت اند از: برگزیده خداوند، گرمی ترین نزد خداوند، مقرب درگاه خداوند و واجب الطاعة بودن این افراد.

از منظر امام سجاد(ع)، ویژگی های تجلیل و صلواتی مطلوب عبارت است از: پاک، فزاینده، رضایت بخش، شایسته، دائم و همیشگی، عام و کامل، فراگیر، بی شمار، عظیم و وزین. همچنین آن

۱۲۸. انسان: ۶.

۱۲۹. فجر: ۲۹.

۱۳۰. احقاف: ۳۱.

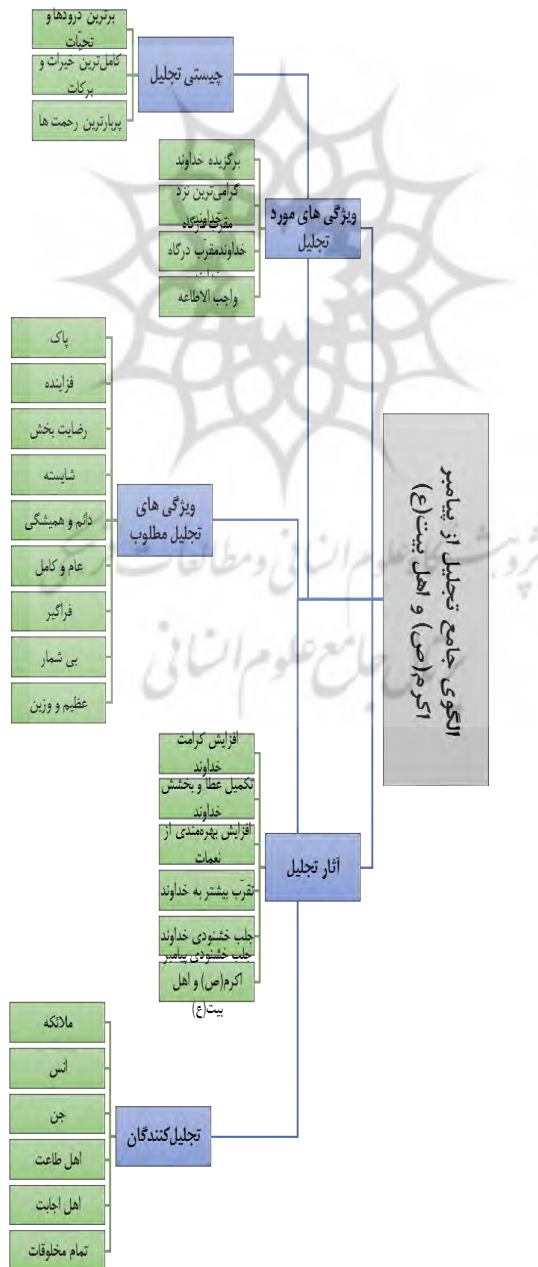
۱۳۱. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۷ تا ۳۶۸/۶.

حضرت (ع) برای چنین تجلیل مطلوب و شایسته‌ای، آثار و نتایجی ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از: افزایش کرامت خداوند، تکمیل عطا و بخشش خداوند، افزایش بهره‌مندی از نعمات خداوند، تقرب بیشتر به خداوند، جلب خشنودی خداوند و نیز جلب خشنودی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع). در بخش دیگر دعای عرفه نیز تجلیل‌کنندگان واقعی از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) معرفی شده‌اند که عبارت‌اند از: ملائکه، انس، جن، اهل طاعت، اهل اجابت، تمام مخلوقات.

در پایان، نتایج جستار در نمودار ذیل درخور توجه است:

نمودار ۲: الگوی جامع تجلیل از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در دعای عرفه امام

سجاد (ع)





## منابع

- قرآن كريم. مترجم: محمد مهدي فولادوند. تهران: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى.
- ابن اثير، مبارك بن محمد. النهاية فى غريب الحديث و الأثر. قم: اسماعيليان، ١٣٦٧.
- ابن بابويه، محمد بن على. عيون اخبار الرضا عليه السلام. تهران: جهان، ١٤٠٣ق.
- \_\_\_\_\_ الأمالى. تهران: كتابچى، ١٣٧٦.
- \_\_\_\_\_ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشريف الرضى، ١٤٠٦ق.
- ابن حجر هيتمى، احمد بن محمد. الصواعق المحرقة فى الرد على أهل البدع و الزندقه. بيروت: الرسالة، ١٤١٧ق.
- ابن دريد، محمد بن حسن. جمهرة اللغة. بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٨٨م.
- ابن سيده، على بن اسماعيل. المحكم و المحيط الأعظم. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على. معالم العلماء فى فهرست كتب الشيعة و أسماء المصنفين منهم قديماً و حديثاً. نجف: المطبعة الحيدرية، ١٣٨٠ق.
- ابن طاوس، على بن موسى. اقبال الأعمال الحسنه فيما يعمل مرة فى السنة. محقق: جواد قيسوى اصفهانى. قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٤١٩ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاييس اللغة. قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٤٠٤ق.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. لسان العرب. بيروت: دار صادر، ١٤١٤ق.
- ازهرى، محمد بن احمد. تهذيب اللغة. بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢١ق.
- امين عاملى، محسن. البحر الزخار. بيروت: شركة للطباعة و النشر، ١٤٠٣ق.
- باردن، لورنس. تحليل محتوا. مترجم: مليحه آشتيانى و محمد يمنى دوزى. تهران: دانشگاه شهيد بهشتى، ١٣٧٥.
- بخارى، محمد بن اسماعيل. صحيح البخارى. بيروت: دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
- جوادى آملى، عبد الله. ادب فنای مقربان. قم: اسراء، ١٣٩٠.
- \_\_\_\_\_ تفسير موضوعى قرآن كريم. قم: اسراء، ١٣٧٦ش.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد. الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية. بيروت: دار العلم للملايين، ١٣٧٦ق.
- حميرى، نشوان بن سعيد. شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم. دمشق: دار الفكر، ١٤٢٠ق.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. بيروت: دار القلم، ١٤١٢ق.
- صابونى، محمد على. صفة التفاسير. بيروت: دار الفكر، ١٤٢١ق.
- صاحب بن عباد، اسماعيل بن عباد. المحيط فى اللغة. بيروت: عالم اللغة، ١٤١٤ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر. جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام. بيروت: دار احياء التراث

العربی. ۱۳۶۲.

طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: اعلمی. ۱۳۹۰ق.

طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو. ۱۳۷۲.

طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. تهران: مرتضوی. ۱۳۷۵.

عترت دوست، محمد. آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. ۱۴۰۱.

عترت دوست، محمد، فائزه محمدی، بی بی سادات رضی بهابادی. «امام شناسی مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاد(ع)». سفینه. ش ۷۴، ۱۴۰۱، ۱۳۸ تا ۱۶۹.

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.17350689.1401.19.74.3.0>

عسکری، حسن بن عبدالله. الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجدیده. ۱۴۰۰ق.

علی بن حسین، امام چهارم. صحیفه سجادیه. مترجم: حسین استاد ولی. تهران: الهادی. بی تا.

فاضلی، قادر. عرفان عرفه. قم: سروش. ۱۳۸۶.

فراهیدی، خلیل بن احمد. العین. قم: هجرت. ۱۴۰۹ق.

فضل الله، محمدحسین. من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک. ۱۴۱۹ق.

فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: دار الهجرة. ۱۴۱۴ق.

قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دار الکتب. ۱۳۶۳.

مدنی، علی خان بن محمد. ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۰۹ق.

کرپیندورف، کلوس. مبانی روش شناسی تحلیل محتوا. مترجم: هوشنگ نائینی. تهران: روش. ۱۳۷۸.

کریمزاده، نرگس. مستندات قرآنی دعای عرفه امام سجاد(ع). تهران: هاجر. ۱۳۹۵.

کفعمی، ابراهیم بن علی. البلد الأمين و الدرع الحصین. بیروت: اعلمی. ۱۴۱۸ق.

\_\_\_\_\_ المصباح. قم: دار الرضی. ۱۴۰۵ق.

کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه. ۱۴۰۷ق.

متقی، علی بن حسام الدین. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت: الرساله. ۱۴۰۱ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار الأئمة الأطهار بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۱۴۰۳ق.

\_\_\_\_\_ مرآت العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

۱۴۰۴ق.

محللاتی، حیدر. «بررسی تطبیقی دعای عرفه امام حسین(ع) و امام سجاد(ع)». آیت بوستان؛ پژوهش نامه

- معارف حسینی. ش ۴، ۱۳۹۵، ۱۰۶ تا ۱۲۲.
- محمدی، فائزه. تحلیل محتوای دعای عرفه صحیفه سجاده، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. به راهنمایی: بی بی سادات رضی بهابادی. تهران: دانشگاه الزهرا(س). ۱۳۹۹.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر. ۱۴۱۴ق.
- مصباح، محمد تقی. فلسفه اخلاق. تهران: امیرکبیر. ۱۳۸۱.
- مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۶۰.
- مفید، محمد بن محمد. المقنعة. قم: کنگره شیخ مفید. ۱۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۷۱ش.
- \_\_\_\_\_ عرفان اسلامی؛ شرحی جامع بر صحیفه سجاده. قم: امام علی بن ابی طالب(ع). ۱۳۹۴.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. معراج السعادة. تهران: حوزه علمیه اسلامی. ۱۳۴۸ق.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر. جامع السعادات. بیروت: اعلمی. بی تا.
- هولستی، آل آر. تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. ۱۳۷۳.

### Transliterated Bibliography

- ‘Alī ibn Ḥusayn, Imām Chāhārum. *Ṣaḥīfah-yi Sajādiyah*. Translated by Ḥusayn Ustād Valī. Tehran: al-Hādī. s.d.
- Amīn ‘Āmilī, Muḥsin. *al-Baḥr al-Zakḥkḥār*. Beirut: Shirka li-l-Ṭibā‘a wa-al-Nashr. 1983/1403.
- ‘Askarī, Ḥasan ibn ‘Abd Allah. *al-Furūq fī al-Lughah*. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīda. 2022/1400.
- Azharī, Muḥammad Ibn Aḥmad. *Tahdhīb al-Lughah*. Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī, 2000/1421.
- Bardin, Laurence. *Tahlil-i Muḥtavā*. translated by Maḥih Āshtiyānī va Muḥammad Yamānī Davzī. Tehran: Shahid Beheshti University. 1997/1375.
- Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā‘īl. *Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*. Beirut: Dār Ṭawq al-Najāh. 2001/1422.
- Faḍl Allāh, Muḥammad Ḥusayn. *Min Vahy Qurān*. Beirut: Dār al-Malāk. 1998/1419.
- Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *al-‘Ayn*. Qum: Hijrat. 1989/1409.
- Fayyūmī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Miṣbāḥ al-Munīr fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr li-l-Rāfi‘ī*. Qum: Dār al-Hijrah. 1993/1414.

- Fāzilī, Qādir. *Irfān-i 'Arafāh*. Qum: Surūsh. 2008/1386.
- Ḥimyarī, Nashwān ibn Sa'īd. *Shams al-'Ulūm wa Dawā' Kalām al-'Arab min al-Kulūm*. Damascus: Dār al-Fikr. 1999/1420.
- Holsti, Ole R. *Tahlil-i Muhtavā dar 'Ulūm Ijtimā'i va Insānī*. Translated by Nādir Sālārzādih Amīrī. Tehran: Allameh Tabataba'i University. 1995/1373.
- Ibn Athīr, Mubārak ibn Muḥammad. *al-Nihāya fi Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. Qum: Ismā'īliyyān, 1989/1367.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *al-Amālī*. Tehran: Kitābchī. 1998/1376.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *Thawāb al-'Amāl wa 'Iqāb al-'Amāl*. Qum: Dār al-Sharīf al-Raḍī. 1986/1406.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *'Uyūn Akhbār al-Rizā(AS)*. Tehran: Jahān. 1983/1403.
- Ibn Durayd, Muḥammad ibn Ḥasan. *Jamhara al-Lughā*. Beirut: Dār al-'Ilm li-l-Malāyīn. 1988. 1408.
- Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Muḥjam Maqāyīs al-Lughā*. Qum: Maktab al-I'lām al-Islāmī. 1984/1404.
- Ibn Ḥajar Haythamī, Aḥmad ibn Muḥammad. *al-Ṣawā'iq al-Muḥriqa fi al-Radd 'alā Ahl al-Bida' wa al-Zandaqa*. Beirut: Risālah. 1996/1417.
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dār Ṣādir. 1993/1414.
- Ibn Shahrāshūb, Muḥammad ibn 'Alī. *Ma'ālim 'Ulamā' fi Fihrist Kutub Shi'a wa al-Asmā' al-Muṣannifīn minhum Qadīman wa Hadīthan*. Najaf: Maṭba'a al-Hydariyya. 1961/1380.
- Ibn Sīda, 'Alī ibn Ismā'īl. *al-Muḥkam wa al-Muḥīt al-'Azam*. Beirut: Dār al-Kutub-i al-'Ilmiyya. 2000/1421.
- Ibn Ṭawūs, 'Alī ibn Mūsā. *Iqbāl al-'Amāl al-Hasana fimā Yu'malu Marratan fi al-Sana*. researched by Jawād Qayyūmī Iṣfahānī. Qum: Maktab al-I'lām al-Islāmī. 1998/1419.
- 'Itrat Dust, Muḥammad va Fā'izih Muḥammadī, bī bī Sādāt Razī Bahābādī. "Imāmshināsī Mubtanī bar Tahlil-i Muhtavāy Du'ā-yi 'Arafah-yi Imām Sajād(AS)". *Safīnih*. No. 74, 2023/1401, 138-169.
- 'Itrat Dust, Muḥammad. *Āshināyī bā Ravish Tahlil-i Muhtavāy Nuṣūṣ-i Dīnī*. Tehran: Shahid Rajaei Teacher Training University. 2023/1401.

- Javādi ‘Āmilī. ‘Abd Allah. *Adab Fanāy Muqarabān*. Qum: Asrā’. 2012/1390.
- Javādi ‘Āmilī. ‘Abd Allah. *Tafsīr Mawzū‘ī Qurān-i Karīm*. Qum: Asrā’. 1998/1376.
- Jawharī, Ismā‘īl ibn Ḥammād. *al-Şihāḥ: Tāj al-Lughā wa Şihāḥ ‘Arabīya*. Beirut: Dār al-‘Ilm li-l-Malāyīn. 1957/1376.
- Kafāmī, Ibrāhīm ibn ‘Alī. *al-Balad al-Amīn wa al-Dir‘ al-Ḥaşīn*. Beirut: A‘lamī. 1997/1418.
- Kafāmī, Ibrāhīm ibn ‘Alī. *Mişbāḥ*. Qum: Dār al-Raḍī. 1985/1405.
- Karīmzādih, Nargis. *Mustanadāt-i Qurānī Du‘ā-yi ‘Arafah-yi Imām Sajād(AS)*. Tehran: Hājar. 2017/1395.
- Krippendorff, Klaus. *Mabānī Ravishshināsī Taḥlīl-i Muḥtavā. translated by Fūshang Nā‘īnī*. Tehran: Ravish. 2000/1378.
- Kulīnī, Muḥammad ibn Ya‘qūb. *al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. 1987/1407.
- Madanī, ‘Alī Khān ibn Muḥammad. *Riyāḍ al-Sālikīn fī Sharḥ al-Şahīfah Sayyid al-Sajjīdīn*. Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī, 1989/1409.
- Mahālātī, Ḥīdar. “ Barrisī Taṭbīqī-i Du‘ā-yi ‘Arafah-yi Imām Ḥusayn(AS) va yi Imām Sajād(AS)”. *Āyat Bustān; Pazhūhnāmah-yi Ma‘ārif Ḥusaynī*. No. 4, 2017/1395, 106-122.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi‘a li-Durar Akhbār A‘imma al-Aṭḥār*. Beirut: Dār Iḥyā‘ al-Tūrāth al-‘Arabī. 1983/1403.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Mirāt al-Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. 1984/1404.
- Makārim Shīrāzī, Naşīr. *‘Irfān-i Islāmī; Sharḥī Jāmi‘ bar Şahīfah-yi Sajādīyah*. Qum: Imām ‘Alī ibn abī Ṭālib (AS). 2016/1394.
- Makārim Shīrāzī, Naşīr. *Tafsīr-i Numūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. 1993/1371.
- Mişbāḥ. Muḥammad Taqī. *Falsafah-yi Akhlāq*. Tehran: Amīr Kabīr. 2003/1381.
- Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Muqni‘a*. Qum: Kugirih-yi Shaykh-i Mufīd 1993/1413.
- Muḥammadī, Fā‘izih. *Taḥlīl-i Muḥtavāy Du‘ā-yi ‘Arafah-yi Şahīfah-yi Sajādīyah, Pāyānnāmah-yi Durīh-yi Kārshināsī Arshad bi Rāhnamāi bī bī Sādāt Razī Bahābādī*. Tehran: al-Zahra University. 2021/1399
- Murtaḍā Zabīdī, Muḥammad ibn Muḥammad. *Tāj al-‘Arūs min Jawāhir al-Qāmūn*. Beirut:

Dār al-Fikr. 1993/1414.

Muṣṭafavī, Ḥasan. *Al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qurān al-Karīm*. Tehran: Bungāh-i Tarjamah va Nashr-i Kitāb. 1982/1360

Muttaqī, ‘Alī ibn Ḥisām al-Dīn. *Kanz al-Ummāl fī Sunan al-Aqwāl wa al-Af’āl*. Beirut: Risālah. 1981/1401.

Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. *Mi’ rāj al-Sa’āda*. Tehran: Ḥawzah-yi ‘Ilmiyah-yi Islāmī. 1929/1348.

Narāqī, Mahdī ibn Abīzar. *Jāmi’ al-Sa’ādāt*. Beirut: A’lamī. s.d.

Qumī, ‘Alī ibn Ibrāhīm. *Tafsīr al-Qumī*. Qum: Dār Kitāb. 1985/1363.

*Qurān-i Karīm. translated by* Muḥammad Mahdī Fūlādvand. Tehran: Daftar Muṭālī’āt Tārīkh va Ma’ārif-i Islāmī.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *al-Mufradāt Alfāz Qurān*. Beirut: Dār al-Qalam. 1992/1412.

Ṣābūnī, Muḥammad ‘Alī. *Ṣafā al-Tafsīr*. Beirut: Dār al-Fikr. 2000/1421.

Ṣāhib ibn ‘Abād. Ismā‘īl ibn ‘Abād. *Al-Muḥīṭ fī al-Lughā*. Beirut: ‘Ālim al-Lughā. 1993/1414.

Ṣāhib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā’ih al-Islām*. Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī, 1984/1362.

Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majma’ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān*. Tehran: Naṣir Khusrū. 1994/1372.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mizān fī Tafsīr al-Qurān*. Beirut: A’lamī. 1970/1390.

Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn ibn Muḥammad. *Majma’ al-Baḥrayn*. Tehran: Murtaẓavī. 1997/1375.